



## فصل پنجم: احیای کاپیتولاسیون در پهلوی دوم

اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین (کاپیتولاسیون) مجلسین، مخالف اسلام و قرآن است... دنیا بداند که هر گرفتاری ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از امریکاست... امریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویبنامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کند.  
امام خمینی<sup>۱</sup>

### احیای کاپیتولاسیون و قرارداد بردگی مجدد ملت ایران

محمدرضا شاه و رژیم او، شاهان قاجار را در مورد اعطای حق قضاوت کنسولی به بیگانگان، سالیان درازی مورد تاخت و تاز و نکوهش قرار دادند و حاکمیت رژیم کاپیتولاسیون در ایران را از خیانت‌های نابخشدنی آنان بر شمردند و روی این ادعای دروغ که الغای کاپیتولاسیون از سوی رضاخان و در سایه تلاش‌های پیگیرانه او صورت گرفته است، جار و جنجال‌های گسترده‌ای به راه انداختند. اعطای آن را نشان بی‌لیاقتی شاهان قاجار و الغای آن را نمونه «میهن پرستی»، «غیرت ملی» و «آزادمنشی» دودمان

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۱.

پهلوی وانمود کردند و در این راه از هیچ‌گونه گزافه‌گویی، افسانه‌بافی، اسطوره‌سازی و دروغ‌پردازی دریغ نورزیدند؛ لیکن دیری نپایید که دیدیم رژیم شاه-طبق سیاست برتری جویی و فزون‌خواهی امریکا- به احیای رژیم کاپیتولاسیون دست زد و مصونیت سیاسی و قضایی اتباع امریکا در ایران را در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی آن روز، به دست مشت‌های عناصر خودباخته و مهره‌های مزدوری که به نام نمایندگان، بر کرسی پارلمان تکیه زده بودند، رسمیت بخشید و بدین‌گونه بار دیگر روشن و آشکار ساخت که دودمان پهلوی از دست‌نشانندگان بی‌اراده و خودفروخته بیگانگان بودند و جز اجرای مأموریت‌های استقلال‌برانداز و ضد میهنی که از سوی جهان‌خواران به آنان محول می‌شد، وظیفه‌ای برای خود نمی‌پنداشتند و هنری نداشتند.

طبق اسناد و مدارک موجود و اظهارات مقامات آن روز ایران، امریکا از سال ۱۳۴۰ در دوران ریاست جان اف. کندی (از حزب دموکرات) از رژیم شاه خواست به اتباع آن کشور در ایران، حق قضاوت کنسولی ببخشد و رژیم کاپیتولاسیون را در مورد اتباع امریکا در ایران برقرار کند. مقامات امریکایی از این امتیازخواهی، چند انگیزه را دنبال می‌کردند:

#### ۱. تحقیر ملت ایران

تحقیر ملت‌ها و خوار داشتن آنها از سیاست درازمدت و همیشگی یانکی‌ها به شمار می‌رود. امریکا از ملت‌های آزادمنش، استقلال‌طلب، سربلند و رشید، سخت نفرت دارد و این واقعیت را به خوبی دریافته است که ملت‌هایی که به ارزش‌ها و آرمان‌های دینی، ملی، انسانی و اخلاقی پایبندند، هیچ‌گاه به استعمار و استثمار تن در نمی‌دهند و سرنوشت آنان را نمی‌توان دست‌خوش آرزو و نیاز استعماری قرار داد و سرمایه‌ها و منابع زرخیز آنان را به یغما برد. آنگاه که ملتی در برابر بیگانگان خود را خوار و ذلیل، عقب‌مانده و نیازمند پنداشت، بی‌تردید در برابر چپاولگری‌ها و سیاست‌های استعماری و اسارت‌بار جهان‌خواران، زودتر سر تسلیم فرود می‌آورد. از این رو، امریکا پیوسته بر آن است که غیرت دینی، هویت انسانی و شخصیت ذاتی را از توده‌ها سلب کند، آنان را بی‌تفاوت، بی‌بند و بار، خودباخته، بیگانه‌زده و شیفته و شیدای فرهنگ غرب سازد، تا بتواند سرنوشت آنان را دست‌خوش امیال شیطنانی و آرزو و نیاز استعماری خود سازد. امریکا به خوبی می‌دانست که در عصر تسخیر فضا و در دورانی که فریاد آزادیخواهی، گوش فلک را کر کرده است و حتی مردم اسیر آفریقایی، توانسته‌اند زنجیرهای بردگی و بندگی را بگسلند، ایرانی‌ها اگر دریابند که رژیم کاپیتولاسیون بر آنان حاکم شده است و به تعبیر امام «ملت ایران را از سگ‌های امریکا پست‌تر کرده‌اند»، خواه ناخواه خود را می‌بازند.

روحیه مقاومت و جانفشانی در راه دین، وطن و ناموس را از دست می‌دهند، غرور ملی آنان در هم می‌شکند و سرطان نومیدی و زبونی بر تار و پود وجود آنان، ریشه می‌دواند و در آن صورت به هر خواری و ذلتی تن در می‌دهند و در برابر تجاوز دشمن حتی به نوامیس‌شان نیز واکنشی از خود نشان نمی‌دهند.

۲. انگیزختن مستشاران، کارشناسان، کارمندان فنی و اداری و دیگر اتباع امریکا، به زیستن و سکونت گزیدن در ایران

مسئلاً برای امریکایی‌ها- به ویژه نظامیان و دیگر دست‌اندر کاران امور دولتی که از رفاه و شادخواری ویژه‌ای برخوردارند- زیستن درازمدت در ایران آن روز که از بسیاری نیازمندی‌های اولیه زندگی محروم بود، گیرایی نداشت و با اکراه و اجبار همراه بود. از این رو، احیای رژیم کاپیتولاسیون در ایران و امتیاز مصونیت سیاسی اتباع امریکا، می‌توانست برای آنان انگیزه‌ای جهت زندگی در ایران پدید آورد.

امریکایی‌ها آنگاه که درمی‌یافتند در ایران از حق قضاوت کنسولی برخوردارند و اگر به مال و جان و ناموس مردم تجاوز کنند، دستگاه قضایی ایران نمی‌تواند آنان را تحت پیگرد قانونی قرار دهد، به شوق می‌آمدند و احساس می‌کردند در کشوری زندگی می‌کنند که به اصطلاح معروف «از هفت دولت آزادند!» افزون بر این، کالاهایی را که وارد ایران می‌کردند، از معافیت گمرکی برخوردار بود و از این راه نیز، سود کلانی عایدشان می‌شد. آنها در هر نوبت که از امریکا باز می‌گشتند، بسیاری از کالاهای ممنوع‌الورود مانند: سیگار امریکایی، مشروبات الکلی و ده‌ها نوع کالای دیگر را بدون پرداخت حقوق گمرکی به ایران وارد می‌کردند و با قیمت بالا به فروش می‌رساندند. این نیز انگیزه دیگری برای رفت و آمد و زندگی آنان در ایران بود.

### ۳. قبضه کردن بازار ایران

در نامه‌ای که سفارت امریکا به دولت ایران در مورد احیای رژیم کاپیتولاسیون نگاشت، قید شده بود که اتباع امریکا از امتیازات و مصونیت‌های مأموران سیاسی پیش‌بینی شده در قرارداد وین<sup>۱</sup> برخوردار شوند.

۱. «بیمان وین» مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل می‌باشد و قراردادی است بین‌المللی، درباره روابط و مزایا و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی (دیپلمات‌ها) در کشورهای مختلف که به امضای همه کشورهای دولت‌های عضو سازمان ملل رسیده است. در ماده ۲۹ این قرارداد آمده است: «... شخص مأمور سیاسی، مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف و بازداشت قرار داد...» و در ماده ۳۱ این قرارداد نیز آمده است: «... مأمور سیاسی در کشور پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود...»

این قرارداد در ۲۹ فروردین ۱۳۴۰/۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت ایران رسید.

امریکا می‌دانست که بند ۳۶ قرارداد وین، مأموران سیاسی را از حقوق گمرکی معاف دانسته است و اتباع امریکا اگر از امتیازات آن قرارداد برخوردار شوند، با بهره‌گیری از بند مزبور، می‌توانند انواع کالاهای امریکایی را بدون پرداخت مالیات و عوارض گمرکی وارد بازار ایران کنند و از این راه بازار ایران را در دست بگیرند و رقیبان تجاری امریکارا در ایران عقب بزنند. در ماده ۳۱ قرارداد وین آمده است:

... کشور پذیرنده، طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید، ورود اشیای زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی - جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه - اجازه خواهد داد:

الف: اشیای مورد استفاده رسمی مأموریت.

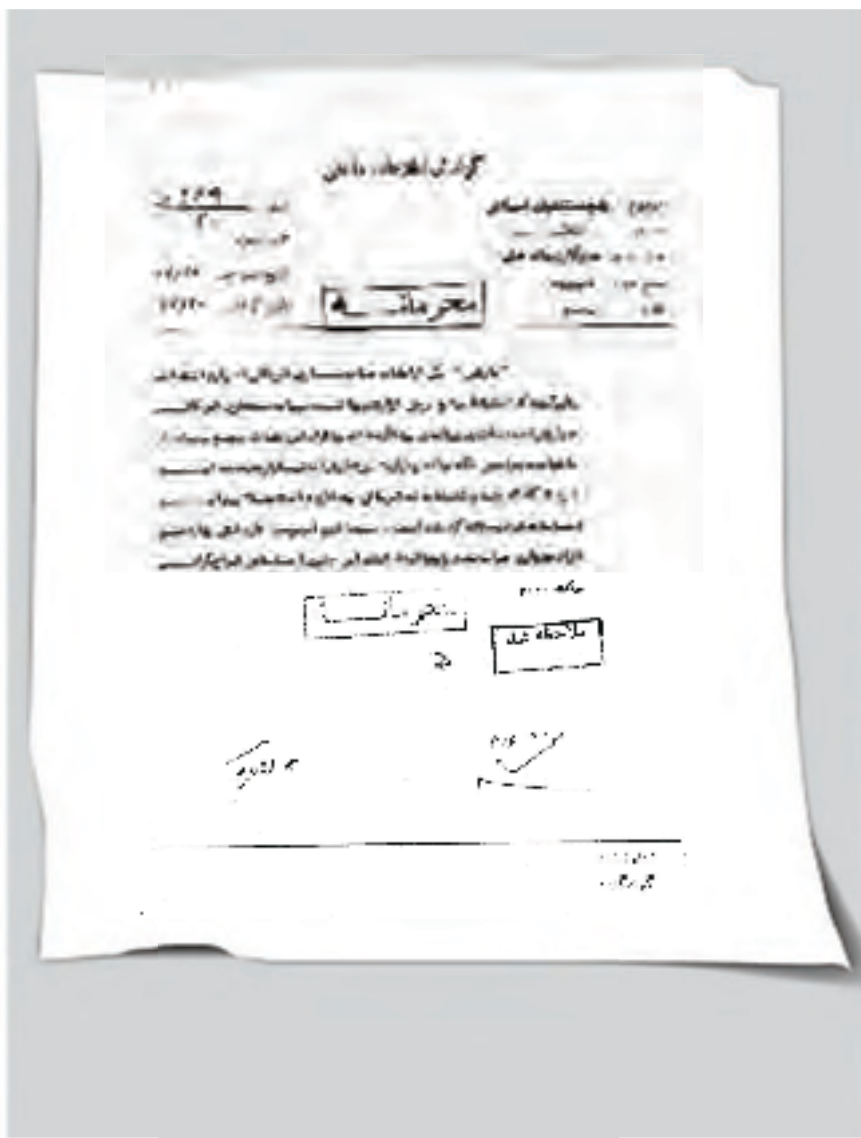
ب: اشیای مورد استفاده شخصی مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارند. توشه شخصی مأمور سیاسی از تفتیش معاف است...

بنابر آمار موجود، امریکا در ایران بیش از چهل هزار مستشار نظامی داشت و با در نظر گرفتن اینکه شمار کارمندان فنی و اداری و اعضای خانواده آنان به مراتب بیش از مستشاران بود، می‌توان تخمین زد که شمار اتباع امریکا در ایران در آن دوران از یکصد هزار نفر، به مراتب بیشتر بود. اگر هر کدام از آنها که از امتیازات و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در قرارداد وین برخوردار بودند، هنگام ورود به ایران تنها یک دستگاه از وسایل برقی را زیر پوشش «اثاثیه منزل»، «توشه شخصی» و... وارد می‌کردند و به بازار عرضه می‌داشتند، چه سود کلانی برای امریکا می‌توانست به همراه داشته باشد و مسلماً بازار دیگر کالاهای خارجی که با پرداخت عوارض و مالیات‌های گمرکی به بازار ایران راه یافته بود، می‌شکست و کساد می‌شد.

۴. واداشتن مقامات ایران به نگرهبانی از اتباع امریکا و اماکن و اموال آنان

کارشناسان امریکا در سال‌های واپسین دهه ۳۰ و در آستانه آغاز دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، پیش‌بینی می‌کردند که دیری نمی‌پاید که خیزش‌های قهرآمیز ضد شاه در ایران آغاز می‌شود و از آنجا که از مراتب نفرت و انزجار ملت ایران از امریکایی‌ها به درستی آگاهی داشتند، پیش‌بینی می‌کردند که اگر جنبشی مسلحانه در ایران روی دهد، بی‌تردید مقامات و مراکز امریکایی، از نخستین هدف‌های پارتیزانی و چریکی خواهند بود. از طرف دیگر، گزارش‌ها نشان می‌داد که بدبینی، ناخشنودی و احساسات

ضد امریکایی، حتی در میان مقامات نظامی و انتظامی رو به افزایش است. برخی از مقامات امریکایی در گزارش‌های خود از اوج ناخشنودی و نفرت از امریکایی‌ها در میان مقامات ارتشی ایران ابراز نگرانی می‌کردند. «مارتین» یکی از اعضای هیئت مستشاری امریکایی [در سال ۱۳۴۲] اظهار داشته: اخیراً بنابر آنچه استنباط می‌شود برخی از ارتشی‌ها نسبت به هیئت مستشاری امریکایی در ارتش، احساسات بدبینانه‌ای پیدا کرده‌اند و به افراد این هیئت به چشم میهمانان ناخوانده و مزاحمی نگاه می‌کنند... نتیجتاً این امر، موجب ناراضی‌تی و ناراحتی افراد عضو این هیئت شده و از عواقب ادامه این چنین احساساتی ابراز نگرانی می‌کنند.



گزارش دیگری، از اوج ناخشنودی نیروهای انتظامی از حضور مستشاران نظامی امریکا در ایران و عملکرد نادرست و ناشایست آنان، نشان دارد:

ساعت ۱۰۰ صبح روز چهارشنبه ۴۳/۵/۲۱ در اتاق سرگرد شهیدی معاون آجودانی شهربانی کل بودم. یک نفر سرهنگ دوم، گویا رئیس شهربانی یزد بود، به مرخصی آمده و از موضوعی ناراحت بود، به طوری که بلند بلند فریاد می کرد که کی از شر این مستشاران خلاص می شویم و این مملکت از خر تو خری خلاص می شود. ضمناً این اطلاعیه حاکی است که روز پنجشنبه ۴۳/۵/۲۲ نیز در کلانتری ۳ قلهک... رئیس کلانتری با پلیس تهران تماس گرفت و با ناراحتی جواب داد: خدا کند هر چه زودتر مستشاران از این مملکت بروند. من که نمی توانم برای هر گروهان امریکایی یک نفر پلیس بگمارم.



امریکا بر آن بود با به دست آوردن مصونیت سیاسی برای اتباع خود در ایران، رژیم شاه را ناگزیر سازد که از جان و مال هر شهروند امریکایی در ایران، مانند یک دیپلمات سیاسی، محافظت و مراقبت کند و بدین شیوه آنان را از خطر خیزش‌های چریکی - که پیش‌بینی می‌شد در ایران روی دهد - دور نگاه‌دارد. به ویژه اینکه در بند ۳۰ قرارداد وین آمده بود: ... محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی، مانند اماکن مأموریت، مصون و مورد حمایت خواهد بود... اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱، اموال مأمور سیاسی مصون خواهد بود. افزون بر این، امریکا می‌دانست که مصونیت گرفتن برای اتباع خود در ایران، مشکلاتی را که مستشاران امریکایی با مقامات ارتشی و نیروهای انتظامی ایران پیدا کرده‌اند<sup>۱</sup> نیز تا پایه‌ای حل می‌کند؛ زیرا صاحب‌منصبان و درجه‌داران ارتش ایران، دیگر به مستشاران امریکا که مصونیت سیاسی دارند «به چشم میهمانان ناخوانده و مزاحم» نگاه نمی‌کنند، بلکه آنان را به چشم آقابالاسرها، ارباب‌ها، صاحبان ملک و ملت! می‌نگرند و خود را به عنوان زیردست و فرمانبر آنان خواهند پنداشت. نیروهای انتظامی ایران نیز حساب کار خود را خواهند کرد و دیگر به انتظار نخواهند نشست که «کی از شر این مستشاران خلاص» می‌شوند؛ بلکه خواهند دریافت که این «نفت‌زیست‌ها» تا روزی که ایران از نفت تهی نشده است، به نشو و نما در این کشور ادامه خواهند داد و نیروی نظامی و انتظامی ایران نه تنها برای هر گروه‌بان امریکایی، بلکه برای هر سرآشپز امریکایی در ایران وظیفه‌مند است که نه «یک نفر پلیس» بلکه چندین پلیس بگمارد!

۵. برتری جویی در برابر رقیبان

امریکا با تحمیل رژیم کاپیتولاسیون بر ایران، رقبای اروپایی خود حتی انگلستان را در صحنه سیاسی ایران، به عقب می‌راند و به عنوان تنها ابرقدرتی که می‌تواند برای اتباع خود در ایران - در قرن بیستم - حق قضاوت کنسولی و مصونیت سیاسی بگیرد، مطرح می‌شد و نشان می‌داد که سلطه و سیاست امریکا در ایران بی‌رقیب است و دیگر ابرقدرت‌ها را یارای رویارویی و رقابت با آن نباشد. این برتری جویی و ترکتازی، چند برآیند برای امریکا می‌توانست به همراه داشته باشد:

الف. به مقامات ایرانی این نکته را گوشزد می‌کرد که موقعیت امریکا در ایران، ریشه‌ای، عمیق و استوار است؛ از این رو، پیروی از سیاست دیگر ابرقدرت‌ها - مانند انگلستان - را باید کنار بگذارند، دنباله‌رو سیاست امریکا باشند و به اجرای طرح‌ها و نقشه‌های امریکا در ایران اهتمام بورزند.

۱. اشاره به گزارش‌های مندرج در سند‌های شماره ۳۰۲-۳۰۱.



ب. برای رجال جاسوس مآب و دیگر بیگانه پرستان ایرانی که بدون ارباب نمی توانستند زیست کنند، این نکته را روشن می کرد که دور دیگر ابرقدرت ها در ایران پرسه نزنند. این تنها امریکاست که در ایران حرف آخر را می زند.

ج. در سطح منطقه و در میان دولت های خاورمیانه که برخی به سیاست انگلیس و شماری به سیاست امریکا گرایش داشتند نیز این نکته را آشکار می ساخت که ایران پایگاه استوار امریکا می باشد و بدین گونه کفه ترازو را به نفع دولت هایی که در اقمار امریکا بودند، سنگین می کرد.

د. بازیگران سیاسی وابسته به انگلیس را نیز که می خواستند با یک سلسله ترفندهایی پایگاه امریکا را در ایران متزلزل کنند و دوران آقای و ریاست بریتانیای کبیر را بار دیگر در ایران سامان ببخشند، ناامید و سرخورده می کرد و به آنان پیام می داد که آب در هاون نکوبند.

ه. به گروه ها و سازمان های وابسته به شوروی و چین نیز هشدار می داد که امریکا با داشتن مصونیت سیاسی و قضایی در صحنه ایران حضور دارد و فردا اگر عوامل سیا آنان را شناسایی کردند و با یک تصادف ساختگی و از پیش طراحی شده، از پای درآوردند، خونشان به هدر رفته است و هیچ مقامی را در ایران توان آن نباشد که عاملان قتل و جنایت را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. البته این پیام و هشدار برای مردم ایران نیز بود. تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ اوضاع مستشاران نظامی امریکا با توجه به اسناد لانه جاسوسی و سایر مستندات مربوط به روابط ایران و امریکا به قرار زیر بود:

علاوه بر وابسته های نیروی زمینی، دریایی و هوایی سفارت امریکا، سه هیئت نظامی نیز در ایران بر اساس قراردادهای منعقد شده بین دولت های ایران و امریکا مشغول به کار بودند:

الف. هیئت نظامی ایالات متحده امریکا در ارتش شاهنشاهی ایران معروف به «آرمیش»

ب. گروه مشاورین کمک نظامی به ایران معروف به «مگ»

ج. هیئت نظامی ایالات متحده امریکا در ژاندارمری شاهنشاهی ایران معروف به «جنمیش»

اسناد زیر وظایف و حیطه نفوذ این هیئت ها را در سازمان ارتش ایران نشان می دهد.





## ۱۲۲ - استاد دکتر جاسمی

من است. این جنبه مانند گروه جریان است؛ ولی جنبه دوامی در  
یک از زمینه و تلاش منبری به آن کمک نکرده، چونکه جنبه  
فرمانده گروه مشاوران کمک نظامی است و این جنبه نظامی  
آنها در ارتش ایران می‌باشد. جنبه نظامی در ۲۹ خرداد  
ایران در حال حاضر یک ماه دیگر بعد از جنبه نظامی است. من  
آنگاه برای چهار روز از این (آموزش) درم آن است.

ج- شاید که جنبه نظامی در ۲۷ خرداد در ایران  
بوده و این جنبه نظامی در ارتش است. اما آنچه در اطلاع ما  
است، پس امری که جنبه نظامی است، جنبه را داشته در ۲۹ خرداد  
وارد ایران گردیده است. در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد در ایران است. این  
حادثه بود. دو نویسنده آمریکا و ایران در ۲۹ خرداد ۱۹۶۲  
من جنبه نظامی در ارتش است. در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد  
اینها است. در ۲۹ خرداد در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد  
در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد ۱۹۶۲ بوده است.

## ۱۲۳ - گروه مشاوران کمک نظامی

۱۲۳ - مشاوران: نظر علامه ما نیست که در نظامی  
آموزش در ایران اجرا می‌شود و جنبه امری است و جنبه کمک نظامی  
نشان در ایران است.

در سازمان گروه مشاوران کمک نظامی آمریکا به ایران و یک  
بخش از آنها به استناد بسیاری از مشاوران (برگزار) در آمریکا و  
با این روش است. که مشاوران، در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد و  
یک بخش از آنها به استناد از این امر است. در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد  
است. فراموش کردیم، که مشاوران در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد  
در ارتش، اینها است. گروه مشاوران کمک نظامی در ایران در ۲۹ خرداد  
در ۲۹ خرداد ۱۹۶۲ جنبه مشاوران ایران است. در ۲۹ خرداد و ۲۹ خرداد  
گروه.

به ساختن فرارگاه، شبکه‌های مخابراتی که گروه مشاورین جنگ نظامی آمریکا در ایران را تأسیس نمود. در تاریخ ۳۳ تا ۳۵، شبکه گسترده‌ای با هدف جمع‌آوری اطلاعات در مورد فرارگاه‌ها تا سال ۱۳۵۰ راه‌اندازی شد.

۴-۱- هدف نظامی آمریکا در زمان رژیم پهلوی

هدف - آمریکا - رسیدن به این هدف‌ها و مداخله در ایران برای کنترل کشور بود. در زمان رضاشاه و شاهنشاهی پهلوی اول، آمریکا این هدف را در پی داشت. در زمان پهلوی دوم، هدف آمریکا در ایران، ایجاد یک رژیم پهلوی جدید بود که به نفع آمریکا باشد. هدف آمریکا در ایران، ایجاد یک رژیم پهلوی جدید بود که به نفع آمریکا باشد. هدف آمریکا در ایران، ایجاد یک رژیم پهلوی جدید بود که به نفع آمریکا باشد.

در واقع هدف نظامی آمریکا در زمان رژیم پهلوی، ایجاد یک رژیم پهلوی جدید بود که به نفع آمریکا باشد. هدف آمریکا در ایران، ایجاد یک رژیم پهلوی جدید بود که به نفع آمریکا باشد.

این کار در تاریخ ۱۳۵۱ آغاز گردید و پس از آن تاریخ اقدامات متعددی در زمینه...





۱۳۳ - اسناد تازه کاشانی

در دوره سوم از مجله «تاریخ مختار» در این شماره آمده است که اسناد و مدارک تازه و بی‌نظیری در دسترس قرار گرفته است. یکی از اسناد که برای ما بسیار جالب است، مربوط به سفر و دیدار پسران و فرزندان شاهنشاهی است. این اسناد در دسترس قرار گرفته است و می‌تواند به پژوهشگران و محققان کمک کند تا با تاریخ و فرهنگ آن زمان بیشتر آشنا شوند. این اسناد شامل نامه‌ها، گزارش‌ها و سایر مدارک است که به ما می‌دهد تا بتوانیم به درستی و دقت بیشتری به تاریخ آن زمان نگاه کنیم.

۱ - تیمار آبیون صومالی

کتاب «تیمار آبیون صومالی» در سال ۱۳۵۲ - ۱۳۵۳ در این مجله به چاپ رسیده است. این کتاب به بررسی و مطالعه و تحقیق در مورد «تیمار آبیون صومالی» در این منطقه پرداخته است. در این کتاب به بررسی و مطالعه و تحقیق در مورد «تیمار آبیون صومالی» در این منطقه پرداخته است. در این کتاب به بررسی و مطالعه و تحقیق در مورد «تیمار آبیون صومالی» در این منطقه پرداخته است.

در ادامه این کتاب به بررسی و مطالعه و تحقیق در مورد «تیمار آبیون صومالی» در این منطقه پرداخته است. در این کتاب به بررسی و مطالعه و تحقیق در مورد «تیمار آبیون صومالی» در این منطقه پرداخته است.

جدول معروف بزرگ شمیرات از جمله وسایط نظریه داده شده است.   
باله مال خیر و کوشش دست آبرو گرفته، در سیدل آنها مرور داده   
شده و آینه در دیر عطار برآید. فریاد استاده بر مایه ناهن مان   
استاد بر رهن سید شده که هر دو میانه عمل زنگن ماسو   
برای بود آبرو کند. فر استا که هیچ استاده از او در میان گرفتار   
در ایران وجود ندارد. این نسبتا فر طبع استاده از آنکه هر وقت   
مادون بر مکتوب استاده از زبان مکتوب تفاوت برآید.



بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انگلیس و امریکا در ایران، فرآیند سیطره مستشاران نظامی بر تار و پود ارتش ایران چند برابر می‌گردد. در شهریور ۱۳۳۳ هیئت‌های مستشاری متفاوت امریکا در ایران در همدیگر ادغام شده و سازمان جدیدی به نام «آرمیش-مگ» به وجود می‌آید.<sup>۱</sup>



۱. اسناد لانه جاسوسی ۷۰؛ مستشاری نظامی امریکا در ایران (۱)، همان، ص ۱۳۳-۱۳۱.



### فصل پنجم بازسازی نهاد

نکته: برای احیای نهاد به موجب زیر واکاوی می‌گردند  
 در این فصل به بررسی موارد زیر می‌پردازیم: .....  
 ۱- ماهی  
 ۲- ماهی  
 ۳- ماهی  
 ۴- ماهی  
 ۵- ماهی  
 ۶- ماهی  
 ۷- ماهی  
 ۸- ماهی  
 ۹- ماهی  
 ۱۰- ماهی  
 ۱۱- ماهی  
 ۱۲- ماهی  
 ۱۳- ماهی  
 ۱۴- ماهی  
 ۱۵- ماهی  
 ۱۶- ماهی  
 ۱۷- ماهی  
 ۱۸- ماهی  
 ۱۹- ماهی  
 ۲۰- ماهی

این مطالعه از  
 مرکز  
 تهران

گروه‌ها:

- |   |                       |                               |
|---|-----------------------|-------------------------------|
| ۱ | ۱. واحد مشاوران ایران | 1-ACROSS AND 2-ACCROSS        |
| ۲ | ۲. مشاوران            | ۳-مأموریت‌های آمریکا در ایران |
| ۳ | ۳. بانک جهانی         | ۴-بانک جهانی مشاوران          |
| ۴ | ۴. امور بین‌المللی    | 5-CIRCULAR                    |
| ۵ | ۵. بانک               | ۶-نظریه‌های بانک جهانی        |





با توجه به تجربه محاکمه همسر سرهنگ داگلاس در جریان تصادف با یک نفر ایرانی که منجر به فوت ایرانی شد و ناتوانی امریکاییان در استفاده از مصونیت‌های سیاسی برای این خانم که همسر یکی از مستشاران نظامی در ارتش ایران بود، امریکاییان متوجه شدند که حفاظت از این حجم از امریکاییان در ایران بدون برخورداری از مصونیت‌های مأموران سیاسی یا فنی، سفارت را در آینده گرفتار چالش‌های تردیدناپذیری خواهد کرد. امریکاییان برای رسیدن به این منظور در درجه اول نیاز به یکسان‌سازی قوانین جهانی و مدون کردن این قوانین در سازمان ملل داشتند تا دولت‌ها به نحوی زمینه‌های تردید در این قوانین را مورد استفاده قرار ندهند.

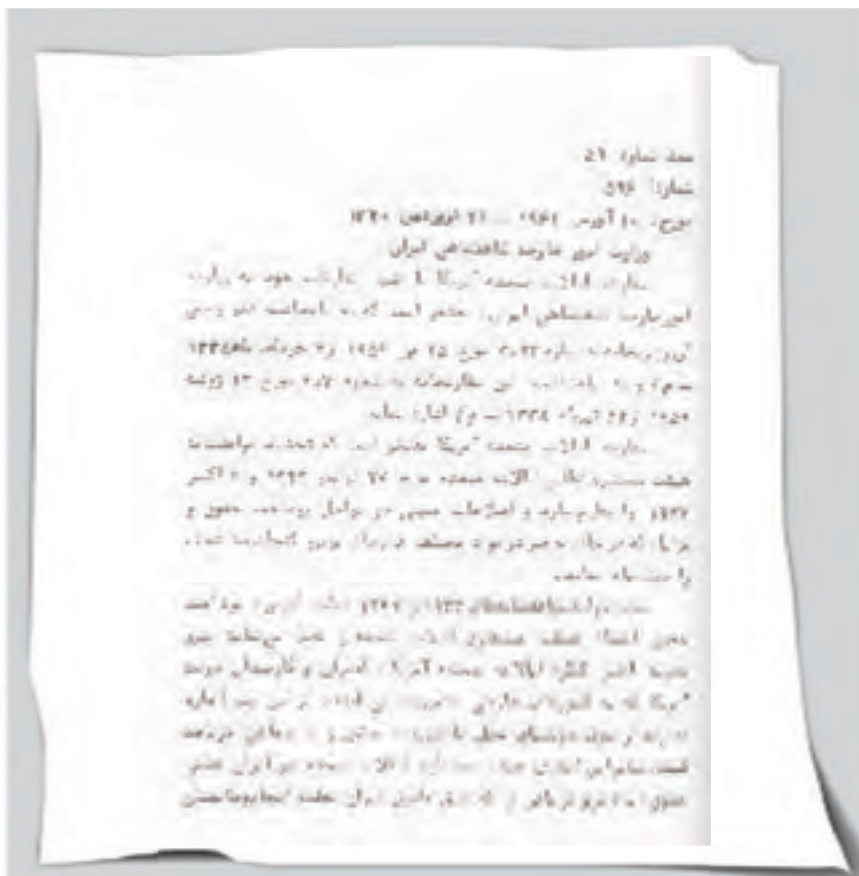
عده‌ای معتقدند یکی از دلایل طرح قرارداد وین درباره روابط سیاسی در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ میلادی (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) در سازمان ملل و قانون جهانی کردن این روابط ناشی از فشار قدرت‌های سیاسی به خصوص امریکا و شوروی به خاطر حجم نیروهایی بود که در کشورهای دیگر داشتند. جالب اینجاست که به محض تصویب این قانون در سازمان ملل، امریکایی‌ها داستان اخذ مصونیت سیاسی برای مستشاران نظامی در ایران را به صورت علنی آغاز کردند. تا قبل از تصویب این قانون مباحثی که بین دولت ایران و امریکا در این رابطه وجود داشت، پنهانی بود.

این در حالی است که اگر چه نماینده ایران در وین این مصوبه را امضا کرده بود ولی تا قبل از تصویب مجلس شورای ملی ماهیت قانونی پیدا نمی‌کرد و مجلس ایران نیز در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۴۳ این قانون را تصویب کرد. در حالی که مذاکرات مربوط به کاپیتولاسیون از سال‌های ۱۳۴۰ بین دولت ایران و امریکا انجام می‌شد.

اولین اقدام امریکا برای استفاده از اصل مصونیت‌های دیپلماتیک برای مستشاران نظامی که در استخدام دولت ایران بودند و جزء حقوق‌بگیران دولت ایران به حساب می‌آمدند نه حقوق‌بگیران دولت امریکا، در ۲۱ فروردین سال ۱۳۴۰ آشکار شد. امریکا در طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد: تحت شرایط موافقت‌نامه‌ای ۱۹۴۳ (۱۳۲۲ش) و ۱۹۴۷ (۱۳۲۶ش) دولت ایران پرداخت حقوق اعضای هیئت مستشاری ایالات متحده را تقبل می‌نماید. پیرو مصوبه اخیر کنگره ایالات متحده امریکا، افسران و کارمندان دولت امریکا که به کشورهای خارجی مأموریت می‌یابند از این پس اجازه ندارند از سوی دولت‌های محل مأموریت حقوق و یا پاداشی دریافت کنند؛ بنابراین اعضای هیئت مستشاری ایالات متحده در ایران تمامی حقوق، پاداش و مزایایی را که طبق قانون ایران به علت انجام وظایفشان به عنوان اعضای هیئت به آنها تعلق می‌گیرد،



به دولت ایالات متحده واگذار می‌نمایند.<sup>۱</sup> امریکا در این نامه پیشنهاد می‌کند که دولت ایالات متحده به عنوان وکیل اعضای هیئت مستشاری نظامی تمامی پول‌هایی را که تاکنون دولت ایران به این اعضا پرداخت می‌کرده است را به همان وسعت و مقدار دریافت نماید. این پیشنهاد به کلی ماهیت هیئت‌های مستشاری را تغییر می‌داد و آنها را به عنوان کارمندان رسمی سفارت در سازمان‌های نظامی و اقتصادی ایران معرفی می‌کرد. بدیهی بود که چنین تغییر ماهوی در قراردادهای موجود دیگر به تصمیمات دولت مربوط نمی‌شد و باید به مجلس ایران فرستاده می‌شد. امریکایی‌ها حتی متن اولیه تغییر قراردادهای مذکور را در ذیل همین نامه ارایه دادند.



۱. همان، ص ۱۵۱-۱۴۹.

درین ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان.

بعد از آنکه از آنجا فرستادند دولت ایران بیست و نه نفر از آنجا به ایالت بلخ فرستادند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان. در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان.

سازد. برای آنکه باقیمانده دولت ایالت بلخ را در آنجا بماند. در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان.

در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان. در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان.

در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان. در آن ایام دولت به آنجا سفر می‌کردند. بعد از آنکه به ایالت بلخ رسیدند و اکثر بی‌سوادان.





### مستشرقین در قلمرو ایران - آمریکا

مستشرقین ایران را در میان جمعی از نویسندگان و محققان غربی در نظر می‌گیرند. هرچند که در ابتدا تلاش کردند تا با روش‌های غربی و با استفاده از اسناد و منابع غربی، تاریخ ایران را بازسازی کنند. اما در سال‌های اخیر، توجه آنها به منابع داخلی و به ویژه به اسناد و دست‌نویس‌های موجود در ایران، معتمد می‌شود.

مؤلف: دکتر سید علی حسینی

تاریخ

۱۰ آبان ۱۳۹۱

در این مقاله به بررسی فعالیت‌های مستشرقین غربی در قلمرو ایران می‌پردازیم. در ابتدا به تاریخچه این فعالیت‌ها می‌پردازیم و سپس به بررسی روش‌های تحقیق و منابع مورد استفاده آنها می‌پردازیم. در ادامه به بررسی دستاوردهای این محققان و همچنین نقدها بر روی آن‌ها می‌پردازیم. در پایان نیز به بررسی وضعیت فعلی این فعالیت‌ها و چشم‌انداز آینده آن‌ها می‌پردازیم.

در این مقاله به بررسی فعالیت‌های مستشرقین غربی در قلمرو ایران می‌پردازیم. در ابتدا به تاریخچه این فعالیت‌ها می‌پردازیم و سپس به بررسی روش‌های تحقیق و منابع مورد استفاده آنها می‌پردازیم. در ادامه به بررسی دستاوردهای این محققان و همچنین نقدها بر روی آن‌ها می‌پردازیم. در پایان نیز به بررسی وضعیت فعلی این فعالیت‌ها و چشم‌انداز آینده آن‌ها می‌پردازیم.

دولت ایران در پاسخ به این پیشنهاد چون از عواقب تغییر ماهوی قرار داد در ایران خبر داشت به سفارت امریکا اعلام کرد که دریافت حقوق مستشاران از طریق وکالت مربوط به مستشاران است و آنها اختیار دارند که این وکالت را به هر کسی بدهند و ربطی به دولت ایران ندارد.





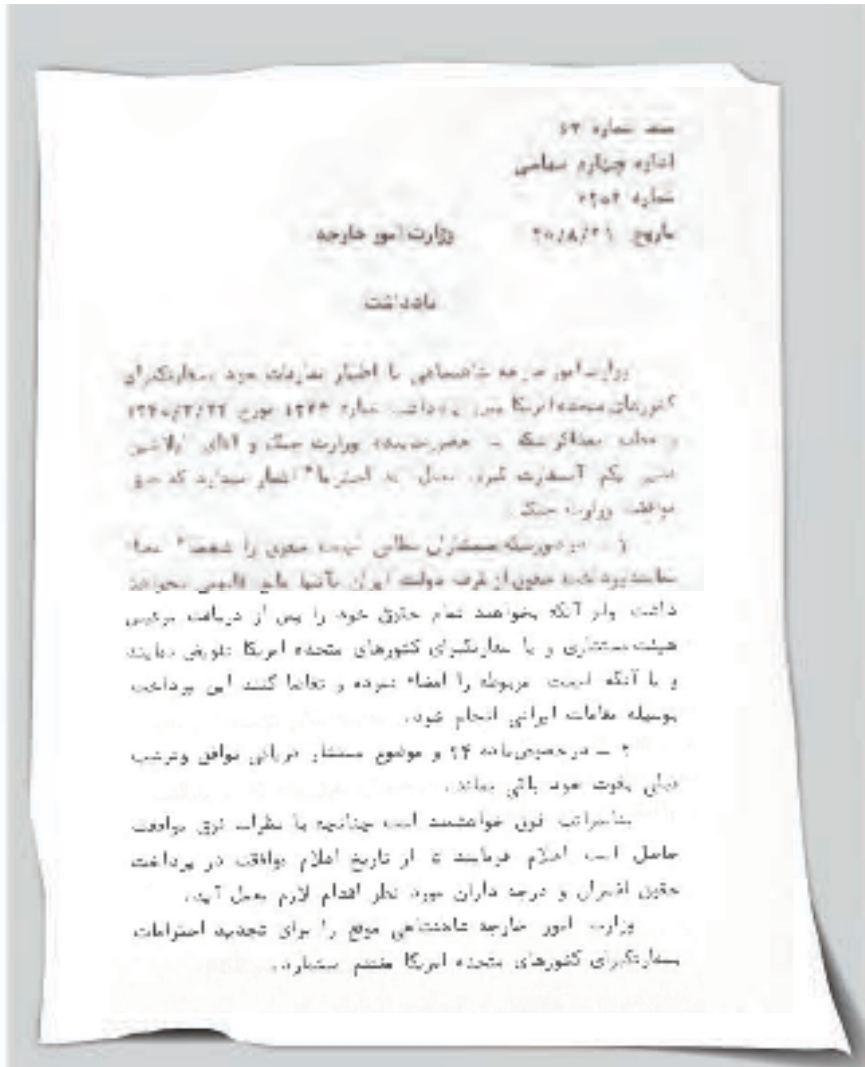
سناریو نظری آمریکا در ایران

شاید یکی از دیدگاه‌های رایج در مورد ایران و فرجه‌های تاریخی آن، در مورد سال ۱۹۷۹ میلادی است. این دیدگاه بر این باور است که انقلاب ۱۳۵۷-۱۳۵۸ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ ایران است که با سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی، ایران را به سوی آینده‌ای روشن و پویا سوق داد. این دیدگاه بر این باور است که ایران در حال حاضر در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دارد و به سوی آینده‌ای روشن و پویا گام برداشته است. این دیدگاه بر این باور است که ایران در حال حاضر در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دارد و به سوی آینده‌ای روشن و پویا گام برداشته است.

از سوی دیگر، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که بر این باور است که انقلاب ۱۳۵۷-۱۳۵۸ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ ایران است که با سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی، ایران را به سوی آینده‌ای تاریک و پستی سوق داد. این دیدگاه بر این باور است که ایران در حال حاضر در مسیر انحلال و پستی قرار دارد و به سوی آینده‌ای تاریک و پستی گام برداشته است. این دیدگاه بر این باور است که ایران در حال حاضر در مسیر انحلال و پستی قرار دارد و به سوی آینده‌ای تاریک و پستی گام برداشته است.

مطالعه‌کننده: دکتر سید علی حسینی

در این نامه، طرف ایرانی به طور غیر مستقیم اعلام کرد که مستشاران امریکایی به صورت فردی مستخدم دولت ایران می‌باشند و اختیار حقوق نیز دست خودشان است.



پیش از این مسئله، ظاهراً تعدادی از امریکایی‌ها که دارای گذرنامه خدمت بودند و با این گذرنامه به ایران آمده بودند ولی مأموران رسمی سفارت امریکا نبودند بلکه مستخدم رسمی ایران بودند به سفارت ایران مراجعه کردند و تقاضای ثبت گذرنامه و دریافت ورقه هویت و روادید داشتند. دولت ایران این افراد را جزء مأموران دیپلماتیک به حساب نمی‌آورد و معتقد بود این افراد نیز مانند تمام اتباع بیگانه باید به جای مراجعه به سفارت به دایره اتباع بیگانه وزارت کشور و شهرداری مراجعه نمایند.





شماره ۶۳  
اداره کتبات و روابط  
شماره ۱۲/۴۴۴  
تاریخ ۲۰/۷/۲۶  
پوست شماره وزارت امور خارجه

یادداشت

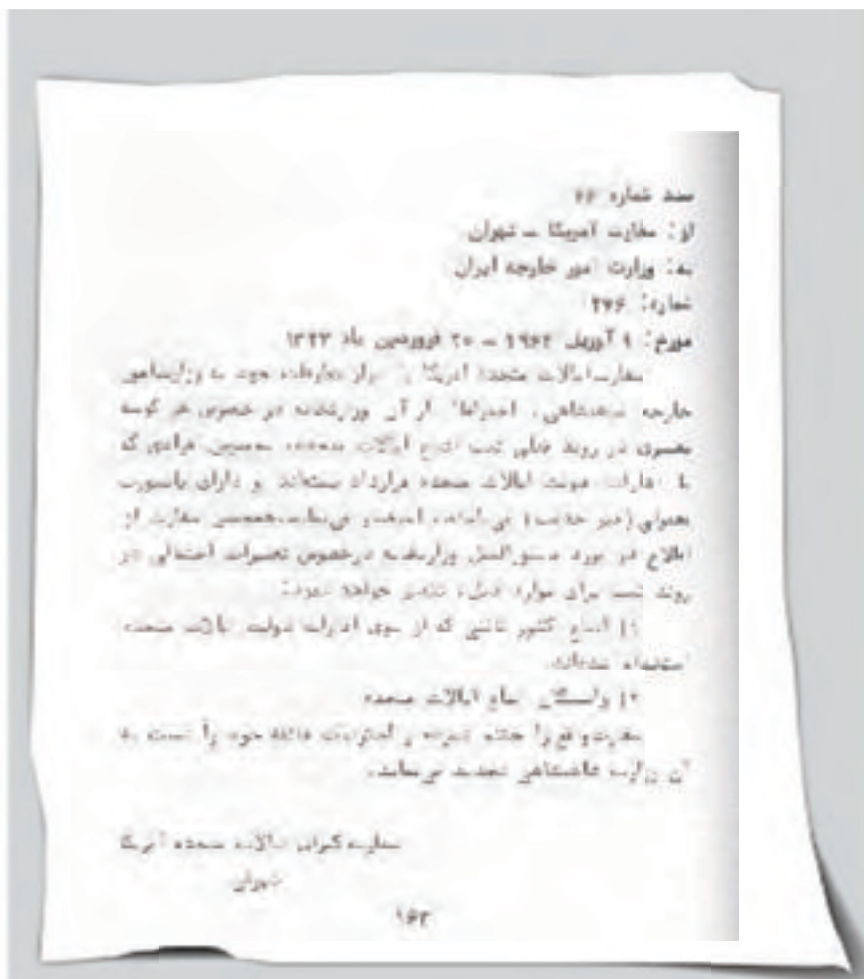
وزارت امور خارجه به پیشنهادها با اقبال پذیرفته شود. سفارت تهران  
نویسنده کتبات و روابط  
شماره ۱۲/۴۴۴  
تاریخ ۲۰/۷/۲۶  
پوست شماره وزارت امور خارجه

خواهشمند است در مورد بانای اعزامی و با اقبال پذیرفته  
گردد که کتبات و روابط این اداره است. از این جهت اطلاع کتبات و روابط  
روابط خروج کشور را باید بدانند. از این جهت اطلاع کتبات و روابط  
این اداره در سلسله یادداشت شماره ۱۲/۱۸۳۶۴ مورخ ۲۶/۱۰/۲۶  
خواهشمند است دستور فرمایند طبق کارنامه بانای اعزامی با اقبال پذیرفته  
و بنده شده. شماره کتبات و روابط وزارت امور خارجه تهران را  
چون شرح قبلی است که این که در روزهای گذشته بانای اعزامی  
در خلاصه اداره کتبات و روابط تهران کشور است.  
توجه را بفرمایند که در این مورد دستور کتبات و روابط

سفارت برای آمریکا - تهران



امریکا مجدداً در فروردین سال ۴۳ تلاش می‌کند به شیوه دیگری اعضای هیئت مستشاری و وابستگان آنها و حتی اتباع کشورهای دیگری را که در استخدام ادارات امریکایی هستند، در ردیف مأموران سیاسی قرار داده و امتیازات و مصونیت‌های مربوطه را برای آنها اخذ کند ولی دولت ایران مجدداً پاسخ می‌دهد که افراد مذکور باید به شهربانی مراجعه کنند نه به سفارت.



شماره ۶۷  
اداره گذرنامه و روادید  
شماره ۲۸۶۲/۱۲/۲۰۸۲  
تاریخ ۱۳۲۲/۲/۹

وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه تا اعضای ایران با وفات خود را سفارت کنراد  
آمریکا در طهران اظهار عطف به یادداشت شماره ۲۶۵ مورخ ۹ آوریل  
۱۳۲۲ مجمع به است گذرنامه های اسامی آمریکا و سیدانکاران خارجی و است  
به هفت نفری آمریکا در ایران احراز انقدر سفارده که درحکومت  
تعمیری در مأموریت گذرنامه های مزبور بعمل می آید استمطقی مقررات  
دولت شاهنشاهی گذرنامه های سیاسی و خدمت در وزارت امور خارجه  
نصوب مورد اقدام قرار گرفته و کارهای مربوط به گذرنامه های مذکور به  
شیرازی گل کشور ارجاع میگردد بدینوسیله در هر مورد بعد از وصول  
یادداشت ایسفات گیری تسهیلات لازم معین خواهد گردید.  
موقع را برای تجدید احرازات دانسته معتمد مستشار.

مظرت کنراد آمریکا - تهران

۱۶۲





### یادداشت خاطره

سید شماره ۲۶

مکان: وزارت امور خارجه - دفتر رئیس اداره گذرنامه

تاریخ: ۱۲ خرداد ۱۳۶۶ - ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

نویسنده: عبدالرحمن آشتیانی رئیس و معاون معاونین،  
یونسکو گیسول - وزارت

آشنایی من با سید سرگرد و یونسکو که در ۱۳۶۴ توضیح دادیم  
که بیشتر درخواست اشلار برای نامه گذرنامه‌های اتباع آلمانی و  
ایجاب کناره‌های باطنی که گذرنامه‌های برای چندین ماه در برزیل  
اور خارجه باشد. سید - آشنایی من از اول آشنایی و با عنوان  
عاشق که فرستادن با عنوان دوستی خارج کار می‌کند. پسند  
من آشنایی و عذاب را به برستان با مسئولی نظمی که در  
یادداشت شماره ۳۶۶ مورخه ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۶ خارجه طرح شده است،  
فرجیج با نام آری این یادداشت خواست نامه است که گذرنامه‌ها توسط  
وزارت امور خارجه ساخته شود. چنانکه در آن روز عمل برنده‌ام  
آنها توضیح دادند که «سورسهای خدمت منطبق با اتباع آلمانی»  
انعام کناره‌ها را که از دوستی شهرت شده بود. من نامه آنها  
را به نامه وزارت امور خارجه شماره ۳۶۶ مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶  
گرفتم که اشلار سرگرد «خدمتگزار» می‌روند شد گذرنامه‌ها

بعمل جانیده است. اما هر گفتم با همرا "تیسری صورت گرفته است  
 آشنایی اصولی بر آنست که در ۶ بهمن ۱۳۰۴ و نفس است. پیشنهاد  
 کرد که کثرتی بود که هر سال حال جانی اسما خلوی  
 ما می گذارند. عاقلانه می توانست بود تا موضوع رسیدگی و حل  
 شود. هر قدر "برای" می توانستیم با این کار باری نبود و پیشنهاد  
 کرد که گذاریم برای آنکه به تیرانی فرجانی نبود که با  
 تیرانی سو آید که طاعت اما مشکل است. اکثری است. حاکم / حسن  
 باقی است. پروانه های ماموریت بدون آنکه اسناد دیگری گذرانند  
 را به وقت بودیم. طاعت از عطا، یعنی قادر بودند. حاکم را  
 اراد دهد که سایرین دولت "بزرگ" است. حاکم ماری نظامی "را  
 می توانست بود که اسما را از این خواست که اسما را که کرد. هر  
 پذیرش توسط اسما بود. حاکم ماری ماموریت اسما که ماموریت  
 خواهد شد که حاکم ماری اسما بود. حاکم ماری ماموریت اسما که  
 گذرانند. حاکم ماری اسما بود. حاکم ماری ماموریت اسما که  
 قدرت است. اسما می کند که حاکم ماری یا توسط اسما که  
 خواهد که اسما می کند که حاکم ماری بود. حاکم ماری ماموریت  
 یادداشت. هر خواست بود که حاکم ماری ماموریت اسما که





شماره ۵۹

یادداشت شماره ۵۲۰

مهرج ۱۸ می ۱۳۲۲ - ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲

از: مطرب آهنگ - تهران

با: وزارت امور خارجه ایران

مفادت ایالت بدمه "برنگا" تعلیمات خود به وزارت امور خارجه  
 شاهنشاهی ایران در روز و منتشر است به نامه ای ۲۸۲۲/۱۶۲۲۸۲  
 مورخه ۲۹ آوریل ۱۳۲۲ در مورد شه گریه‌های صادره مطابقت  
 مطابقت کاران فرمی گریه‌های غیر مدعی و واسطه‌ها است که بعد  
 ایالات بدمه با کثیر مالتی بوده و تا گروه مردمان را در آن مکتب  
 در احوال بدمه. تاریخ ۱۸۱.

مفادت بدمه از روزنامه "انجمن فارسی" نشر گریه‌های  
 از سال ۱۳۲۲ تا زمانه "گریه‌های" نشر گریه‌های "نظام" که  
 طبق نامه‌های شماره ۵۱۲۱ مورخه ۱۶ شهریور ۱۳۲۲ آن روزنامه  
 مورد بدمه و ۱۸۱ روزنامه این خارجه شاهنشاهی تیرا کرده توسط  
 آرد روزنامه انجام می‌شود است.

بخش ۴ از بوم‌شناسی فوق الذکر چنین می‌گوید:

"میدان بطن حق حیوانه دانش شناسی حیوان، موکتیا،  
 برگان و یا حیوانی که از بی بی مطابقت کار می‌تواند می‌تواند و یا  
 که برنگ انجام و یا بطن آنکه که در این روش، آنچه است  
 مورد است. اختلال و استعداد نماید که این مطابقت کاران  
 از این مطابقت کاران فرمی است. این مطابقت و بوم‌شناسی  
 برای کارشناسی هر بوم‌شناسی به امری و بزم می‌تواند از آن در بوم‌شناسی  
 مردمان حق بطن و اندازه کار و یا حالت بطنی دانشی هر بوم‌شناسی

از قتل فرزند، خواسته شد. دولت ایران خون برده، و با تمام  
با تمام کوشش و کوشش تمام کارائی این بریتانیا، بریتانیا  
پاکستان و سایر مقامات از بیست و شش هزار و سیصد و شصت  
سازمان و کار می‌کرد. اسلحه و تجهیزات، تمام برنده اول، و  
حرکت می‌کردند. دولت ایران، با خروج این فرمان، از قتل  
گر و با اجازه دولت را تسلیم می‌کرد. دولت ایران، در  
دست قتل این افراد از بیست و شش هزار و سیصد و شصت  
می‌باشد و پیرایه تمام بیست و شش هزار و سیصد و شصت

بیشتر از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، بریتانیا  
تعمیر می‌کردند. دولت ایران، در دست قتل این افراد از بیست و شش  
هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش هزار و سیصد و شصت  
دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش

دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش  
دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش

دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش  
دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش

دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش

دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش

دولت ایران، از بیست و شش هزار و سیصد و شصت، تمام بیست و شش





سند شماره ۷۵  
 بهداشت رسمی  
 به: آقای م. زنگنه  
 از: هیئت ا. لونس  
 تاریخ: ۱۸ مهر ۱۹۴۲ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۲  
 موضوع: ثبت کارکنان آمریکائی و کشورهای ثالث که برای بانگال خلیج  
 کار می‌کنند.

وزارت امور خارجه، هر چند وقت یکبار پیشنهاد کرده است که  
 مابین است. با کثرت امرت روزی دیگر را معاف و در این باره که هر  
 حال حاضر عمل می‌شود از طریق شهروانی است کنیم. چنین تغییر  
 ظاهر به این معنی است که آن کارمندان می‌توانند به واردات و  
 واستانگستان به درخواهند بود اجازه اقامت و مجوز کار بگیرند. همچنین  
 بشمول فرانس و ایتالیا برده‌اند و شاید سایر مقررات نیز.

این امر مورد یک توضیح رسمی از وزارت امور خارجه اتفاق  
 گرفته و در هر صورت یک برنامه مهم دریاها کردم که بیان برده‌اند  
 [و] هیچ سودی در روزه گفتی وجود سرمایه و این که برساند  
 چون گفته از این پس برای این به فعالیت شهروانی. سطح عرضه  
 ۵۵

این برنامه احتیاج به توضیح دارد. متن اصلی پیشنهاد می‌شود.

معاون طبقه: م. ز.





شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶

شماره ۶۶



سند شماره ۷۲  
اداره گذرنامه و روادید  
شماره ۹۸۵۵/۱۶/۶۷۵۸  
تاریخ ۱۳۳۲/۲/۱۶

وزارت امور خارجه  
یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تحارفات خود سفارتگری ایالات متحده آمریکا (مترادف "مصدق به یادداشت شماره ۵۲۰ مورخ ۱۸ به ۶۹ راجع به ثبت گذرنامه‌های آمریکایی اطفال متولد همانطور که نیز یادداشت شماره ۵۸۲ و ۶۲۲/۱۹۶۲ مورخ ۲۲/۲/۹۱ استحضار آن سعادت گیتی رسد، بر ناهت امر عسری حاصل نگردد و کلیه اطفال، در هر مورد به سفیر و حوال یادداشت آن سعادت گیتی اقدام مقتضی حصول خواهد گردید.

توجه را برای تعیین اسرائیلیان و اقامت به‌همه مستحضر.

سعادت گیتی، ایالات متحده آمریکا - تهران





داستان مکاتبات بین سفارت امریکا با وزارت امور خارجه ایران در خصوص ثبت و ضبط گذرنامه‌های مستشاران امریکایی در وزارت امور خارجه یا در شهربانی از سال ۱۳۳۸ تا تیر سال ۱۳۴۳ ادامه دارد و به نتیجه‌ای نمی‌رسد. امریکاییان تلاش می‌کنند که دولت ایران اعضای این هیئت را مأموران دولت امریکا به حساب آورند و دولت ایران وفق قرارداد، آنها را مستخدم رسمی دولت ایران دانسته نه حقوق‌بگیران دولت امریکا. در کنار این مجادلات اداری، امریکاییان تلاش دیپلماتیک و چانه‌زنی‌های سیاسی خود را در سطوح بالا با نخست‌وزیر و وزرای امور خارجه ایران نیز به موازات این مکاتبات به پیش می‌برند.

### سیر احیای رژیم کاپیتولاسیون

قشون ایران زیر سلطه امریکاست، ما این قشون را نفی خواهیم کرد و به او نقش و وظیفه واقعی را که دفاع از کشور است باز خواهیم داد.<sup>۱</sup>

امام خمینی

اولین خیز امریکاییان برای تصویب کاپیتولاسیون در اسفند سال ۱۳۴۰ برداشته شد. در این سال سفارت امریکا در ایران طی ارسال یادداشتی به شماره ۴۲۳ به وزارت امور خارجه ایران، ضمن ابراز تمایل به تمدید قراردادهای خدمات مستشاری نظامی امریکا در ایران برای یک سال دیگر، به مذاکرات بسیاری که در خصوص ثبت گذرنامه‌های اعضای هیئت و وابستگان و پیوستگان آنها بین ایران و امریکا صورت پذیرفته اشاره می‌کند و به دولت ایران پیشنهاد می‌کند که برای رهایی از این دردسرها و زدودن هر شکی و سهولت در عملکرد مؤثر هیئت مستشاری، اعضای این هیئت از مصونیت‌های مخصوص کارمندان اداری و فنی مشروحه در قرارداد منضم به قرارداد نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد روابط و مصونیت‌های دیپلماتیک که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در وین امضا شده برخوردار گردند.

همچنین در این یادداشت پیشنهاد می‌گردد که پرسنل برجسته مشخص مورد توافق دو دولت امکان بهره‌مندی از امتیازات و مصونیت‌های مأمورین سیاسی را خواهند داشت. سفارت همچنین پیشنهاد کرد که به منظور هماهنگی و تسهیل در امور اداری، اصل مصونیت در مورد هر فردی از پرسنل نظامی و یا کارمندان غیر نظامی وزارت دفاع ایالات متحده و بستگانشان که اهل خانه آنها می‌باشند و حضور آنها در ایران به وسیله دولت

۱. صحیفه/امام، ج ۴، ص ۱۶۱.

شاهنشاهی ایران مجاز شناخته شده به کار گرفته شود.<sup>۱</sup> این یادداشت‌ها در دولت امینی ارایه گردید و دولت پرزیدنت کندی که در این دوران در امریکا بر روی کار بود به دنبال این بود که کار مصونیت مستشاران را با توجه به وابستگی شدید دولت امینی به امریکا و حمایت‌هایی که امریکاییان از وی به عمل آورده بودند، یکسره کند. اما دولت امینی به هر دلیلی به این تقاضا پاسخی نداد.



۱. اسناد لانه جاسوسی ۷۱: مستشاری نظامی امریکا در ایران (۲)، همان، ص ۴-۳.





۹- اسناد و کتابخانه ملی جمهوری

توانستند با توجه به دستور العمل اسنادخانه‌ها (The National Archives and Library Organization of Iran) در سال ۱۳۵۲ اقدام به جمع‌آوری اسناد و کتابخانه‌ها کردند.

در همین راستا، دولت ایران به منظور جمع‌آوری اسناد و کتابخانه‌ها در سراسر کشور اقدام به تشکیل کمیته‌ها و هیأت‌های تخصصی کرد. در این راستا، در سال ۱۳۵۲ هیأتی به سرپرستی آقای دکتر محمدعلی رجایی تشکیل شد. این هیأت در ابتدا به منظور جمع‌آوری اسناد و کتابخانه‌ها در سطح ملی فعالیت می‌کرد. در ادامه، این هیأت به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها ارتقا یافت. در سال ۱۳۵۳، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد. در سال ۱۳۵۴، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد.

در سال ۱۳۵۴، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد. در سال ۱۳۵۵، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد.

در سال ۱۳۵۶، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد. در سال ۱۳۵۷، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد.

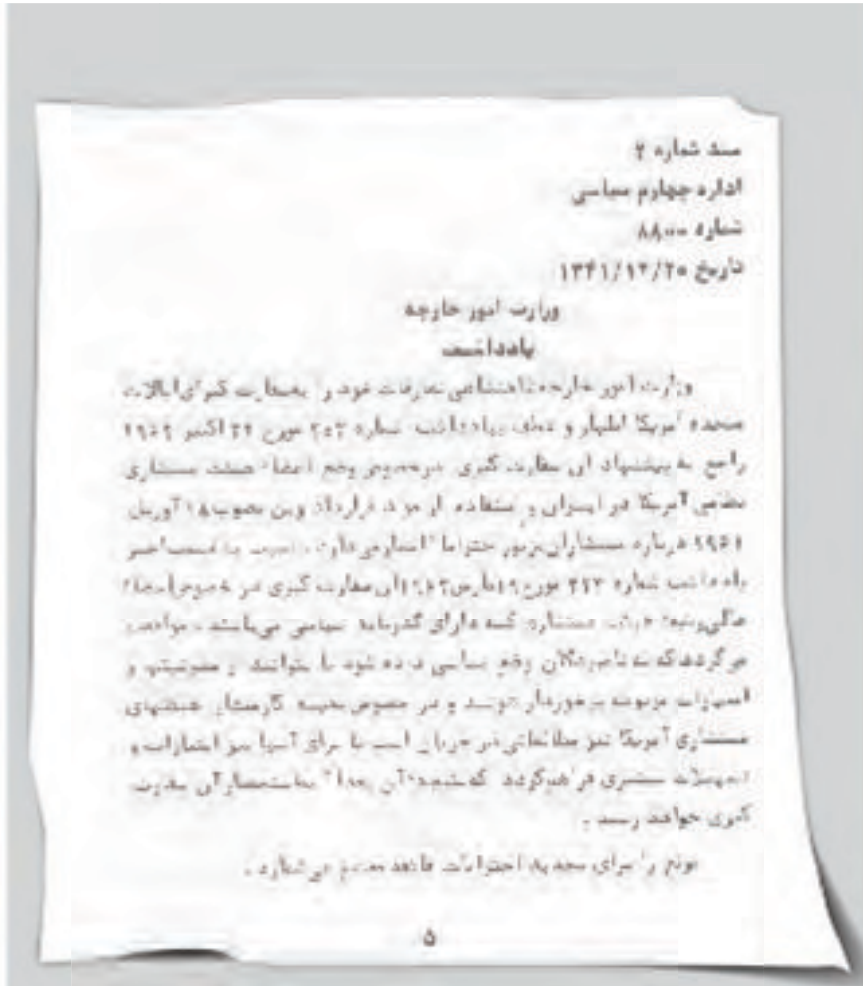
در سال ۱۳۵۸، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد. در سال ۱۳۵۹، هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها به هیأت عالی اسناد و کتابخانه‌ها و اسناد و کتابخانه‌ها تغییر نام داد.

انبارت اسناد و کتابخانه ملی جمهوری

کتابخانه ملی  
تهران، ایران

۱۳۵۴

اداره چهارم وزارت امور خارجه ايران پس از سقوط دولت اميني و روي كار آمدن دولت اسدالله علم در تاريخ ۲۰ اسفند ۱۳۴۱ در پاسخ به يادداشت سفارت امريكا اعلام مي كند نسبت به قسمت آخر يادداشت شماره ۴۲۳ مبنی به اعطای مصونیت‌های مأمورین سیاسی به پرسنل برجسته هیئت مستشاری به شرط این که دارای گذرنامه سیاسی باشند موافق است ولی در مورد سایر اعضا و وابستگان آنها مسئله در دست بررسی است که متعاقباً اعلام خواهد شد.<sup>۱</sup>





متعاقب این یادداشت وزارت خارجه دولت علم در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۴۲ طی یادداشت شماره ۸۲۹۶ به سفارت امریکا اطلاع داد که قرارداد بین‌المللی وین پس از تصویب از طرف قوه مقننه ایران شامل اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران می‌باشد نخواهد شد و برای این کار مجوز جداگانه لازم است... و البته شمول این مزایا و معافیت‌ها بسته به تصویب مجلسین خواهد بود.

وزارت خارجه علم صریحاً در این یادداشت به دولت امریکا اعلام می‌کند که وزارت امور خارجه شاهنشاهی خوشوقت است اکنون به استحضار آن سفارت کبری برساند که هیئت وزیران به موجب تصویب‌نامه مورخ ۱۳ مهر ۱۳۴۲ با این پیشنهاد موافقت کرده و قرار است که هنگام تقدیم موافقتنامه وین منعقد در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ به مجلسین این یادداشت و یادداشتی که آن سفارت کبری در پاسخ مرقوم خواهند داشت نیز برای تصویب ضمیمه شود.<sup>۱</sup>





شماره ۳

اداره عهد و امور جلوی

شماره ۸۲۱۶

تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۳۲ - ۱۳ نوامبر ۱۹۵۳

وزارت امور خارجه

بازداشت

وزارت امور خارجه شایسته محاربات عهد را به محاربت گریه دولت  
 ایالات متحده آمریکا تقاضای مورد ملاحظه و محرمات مستشاری  
 نظامی دولت ایالات متحده آمریکا در ایران، تحریکات با مستشار آمریکایی  
 که به نوبه به برپا شدن کیمبر با دولت ایالات متحده آمریکا ۳۰۳ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۵۳  
 بعد از آن در برپا شدن استیزه با دولت ایالات متحده آمریکا مستشاران  
 و مستشاران برپا شده در سال ۱۹۵۳ در خصوص "مشروعیت" محاربات  
 مستقیم به وزارت معانی کشور ایالات متحده مستشاران در خصوص  
 در نظر مستشاران معانی مستقیم و در آمریکا ۱۹۵۳ برپا شده باشند و به  
 خصوص از افعال نامرتبه در جنبشها به جهت ترار و افعالی در دولت  
 واقع مامور معانی دادند در افعالی مستشاران و مستشاران که قرارداد معنی  
 برآورد این معنی در نظر گرفته، منع گرفت و معانی مستشاران معانی  
 مستشاران دیگر در مورد هر یک - مستشاران معانی و مستشاران  
 معانی ایالات متحده و - مستشاران مستشاران او مستشاران که مستشاران  
 ایران با مستشاران دولت مستشاران مستشاران مستشاران مستشاران

\*



#### مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۲) ————— ۷

مکالمات، گریه، پند و اندرز و تحقیرات و توهینات مکرر و بی‌وقفه از سوی آمریکاییان و همچنین بی‌وفایی آن‌ها در طرف خود بداند. این امر تا نظر ابتدای همکاران نظامی و نظامی‌ها، بالاتر از حدت در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران می‌باشد، بهر حد گستاخ و تخریب و تهمت‌ها چون جداگانه لازم است و تعلیمات فراوان به هنگام انجام مأموریت‌ها در این زمینه می‌باشد. شرح کار و نیز ضمیمه نمود که در این زمینه و اهدافی مستشاری نظامی در ایران از مریضا و مشاوران و معاونین آنان که برای کارهای آن‌ها در این زمینه موضوع شد. ماده اولی می‌باشد که در مورد مستشاری نظامی در ایران در مورد آن‌ها و اینکه شوق آن‌ها برای همکاری با آمریکا به صورت مجلس خواهد بود.

وزارت امور خارجه تاکنون تاکنون این امر را در نظر گرفته است. آن‌ها در نظر گرفته شده که در صورت نیاز به ایران به صورت خصوصی با حضور ۱۳۲۲۷/۱۳ تا این پیشنهاد مراعات فرموده‌اند و قرار است که هنگام انجام مأموریت‌ها در این زمینه در ۱۵ آوریل ۱۳۶۱ به مجلس ایران یادداشت و یادداشتی که آن‌ها در این زمینه کرده‌اند، بر پاسخ مرفوع خواهد داشت. این امر برای تصویر ضمیمه نمود.

وزارت امور خارجه تاکنون تاکنون این امر را در نظر گرفته است. آن‌ها در نظر گرفته شده که در صورت نیاز به ایران به صورت خصوصی با حضور ۱۳۲۲۷/۱۳ تا این پیشنهاد مراعات فرموده‌اند و قرار است که هنگام انجام مأموریت‌ها در این زمینه در ۱۵ آوریل ۱۳۶۱ به مجلس ایران یادداشت و یادداشتی که آن‌ها در این زمینه کرده‌اند، بر پاسخ مرفوع خواهد داشت. این امر برای تصویر ضمیمه نمود.



بنابراین تردیدی وجود ندارد که لایحه مصونیت اتباع امریکا در ایران، نخست از سوی دولت امیر اسدالله علم در ۱۳ مهر ماه ۴۲ به تصویب رسید و در ۲۵ دی ماه آن سال به مجلس سنا برده شد و در سوم مرداد ماه ۴۳ مورد تصویب مجلس سنا قرار گرفت و در ۲۱ مهر ماه ۴۳ مجلس شورای ملی نیز آن را به تصویب رسانید.

ظاهراً یکی از تعهدات شاه به امریکاییان این بود که اگر امریکا دست از حمایت علی امینی بردارد او به نخست‌وزیر بعدی دستور خواهد داد که مسئله مصونیت مستشاران امریکایی در ایران را حل کند. این احتمال دور از حقیقت نیست؛ چون اسدالله علم که یک کارگزار انگلوفیل در دیوانسالاری ایران بود در دیدار با سرالدون گریفیت یکی از نمایندگان مجلس عوام انگلستان و یکی از وزیران با سابقه دولت انگلیس گفت:

زمانی سفیر امریکا پیامی از جانب پنتاگون برای ما آورد که حاوی این نکته بود مقامات نظامی امریکا بسیار نگران وضع پرسنل نظامیانی هستند که اکنون روانه ایران هستند. تا افراد ارتش ایران را آموزش دهند، آنها نباید در صورت ارتکاب جرم یا خلافی در دادگاه‌های ایران محاکمه شوند. آنها باید از این قانون مستثنی و مصون باشند. این در حقیقت همان کاپیتولاسیون بود. امتیازی برای خارجیان که در دهه ۱۹۲۰ در ایران ملغی شد و در نتیجه خارجیان را محدود و ایرانیان را بالا برد. علم می‌گفت وقتی که من این پیام را از سفیر امریکا شنیدم آتش گرفتم. اکنون می‌بایست مجلس این قانون را بر خلاف میل عموم مردم تصویب کند.<sup>۱</sup>

گریفیت مدعی است که بر اثر اصرار شاه کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد ولی آن لایحه دیگر توسط علم دنبال نگردید بلکه موقوف شد به جانشین وی امیرعباس هویدا که هر دو مجلس را وادار به تصویب آن کند.<sup>۲</sup>

توجیهات اسدالله علم و اربابان وی تأثیری در اصل خیانت ندارد. امریکاییان با ارسال یادداشت‌های مختلف فشار را بر دولت ایران بیشتر کردند. در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۴۲ مجدداً سفارت امریکا یادداشتی با مضمون زیر به وزارت امور خارجه ایران ارسال کرد:

۱. سرالدون گریفیت، *ایران بر تلاطم*، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران، آبی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵.  
 ۲. همان؛ البته گریفیت بین حسنعلی منصور و هویدا مرتکب اشتباه می‌شود چون لایحه کاپیتولاسیون در دولت بعدی که دولت منصور است به تصویب می‌رسد.



### شماره ۷

مهریه: ۱۵ دسامبر ۱۹۶۲ - ۱۷ ژانویه ۱۹۶۳

یادداشت شماره ۴۹۹

بخارت آبادگاه، متعلقه آمریکا پس از لغو قرارداد خرید و فروش  
امور خارجه باستانشناسی و حفاری، به ریاست آنتون سارو ۱۹۶۳ مورخ ۱۶ نوامبر  
۱۹۶۲ تا ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۳ م. این وزارتخانه با طرفین بی طرفانه گفت و گو کرد  
هم تاریخ ۱۵ کتبر ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۳ م. به ریاست آنتون سارو  
میزبان این دولت باستانشناسی و حفاری و استناد حفیات مستطوری نظامی آمریکا  
در ایران فر حفظ اشتراکات و حاکمیت ملی بر میزبان بود که موثر است  
وین کار در زمینه حفاری استنادات بازرگانی کارستان، حفاری و حفیات مستطوری  
در بحث از بازگشت اموال، کتوانسیون و سرانجام حفیات مستطوری در بحث  
وزارتخانه حفیات که آن باستانشناسی و باستانشناسی حفیات آمریکا حفیات  
کتوانسیون وین به نظامی دوران حفیات و باستانشناسی حفیات مستطوری

طبق برنامه حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
۱۹۶۳ م. در این نظامی حفیات مستطوری آمریکا حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
و مستطوری که حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
۱۹۶۳ م. در این حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
این اعلام می دارد که حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
نویسندگان حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
مربوطه با یادداشت حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
۱۹۶۳ م. در این حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری

حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری  
حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری حفیات مستطوری

میزبان ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳

میزبان ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳

معاون وزارت خارجه آن روز ایران، به نام احمد میرفندرسکی، در روز سه‌شنبه ۲۱ مهرماه ۴۳، در مجلس شورای ملی درباره سیر این لایحه چنین توضیح داد:

... سفارت امریکاطی یادداشت شماره ۴۲۳ در اسفندماه ۱۳۴۰ از ما خواست که نظامیان امریکا از امتیازات و مصونیت‌های مأمورین سیاسی پیش‌بینی‌شده در قرارداد وین، برخوردار باشند. مذاکرات و مکاتبات ما با سفارت امریکا، مدت‌ها طول کشید، تا جلسه وزیران (کابینه علم) در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۲ آن را تصویب کرد. سپس لایحه مربوط در تاریخ ۲۵ دی‌ماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم شد و سوم مرداد ۱۳۴۳، به تصویب رسید و سپس به مجلس شورا آمد که آقایان وظیفه خود را انجام دهند...!

نکته در خور بررسی این است که چرا اجرای این طرح امریکا از اسفندماه ۴۰ تا مهرماه ۴۳ به تأخیر افتاد و رژیم شاه برای اجرای آن، شتاب لازم را به خرج نداد؟ علت یا علل تأخیر چه بود؟ و مانع اصلی کدام بود؟ به نظر می‌رسد که چند موضوع در این تأخیر، نقش داشت:

۱. امریکا برای تصویب آن شتابی نداشت؛ چون به این امید بود که دکترین جان. اف. کندی بتواند دگرگونی ژرفی در ایران پدید آورد و مقام و موقعیت امریکا را به عنوان طراح اصلی «انقلاب سفید» در میان مردم و دولتمردان استواری ببخشد. زمینه به صحنه آمدن و به قدرت رسیدن مهره‌ها و چهره‌هایی را که در ایران به امریکا گرایش دارند و از جناح امریکا شمرده می‌شوند، بیشتر فراهم سازد و جناح‌های وابسته به دیگر ابرقدرت‌ها را تضعیف کند و بدین‌گونه راه برای احیای رژیم کاپیتولاسیون بهتر فراهم شود.

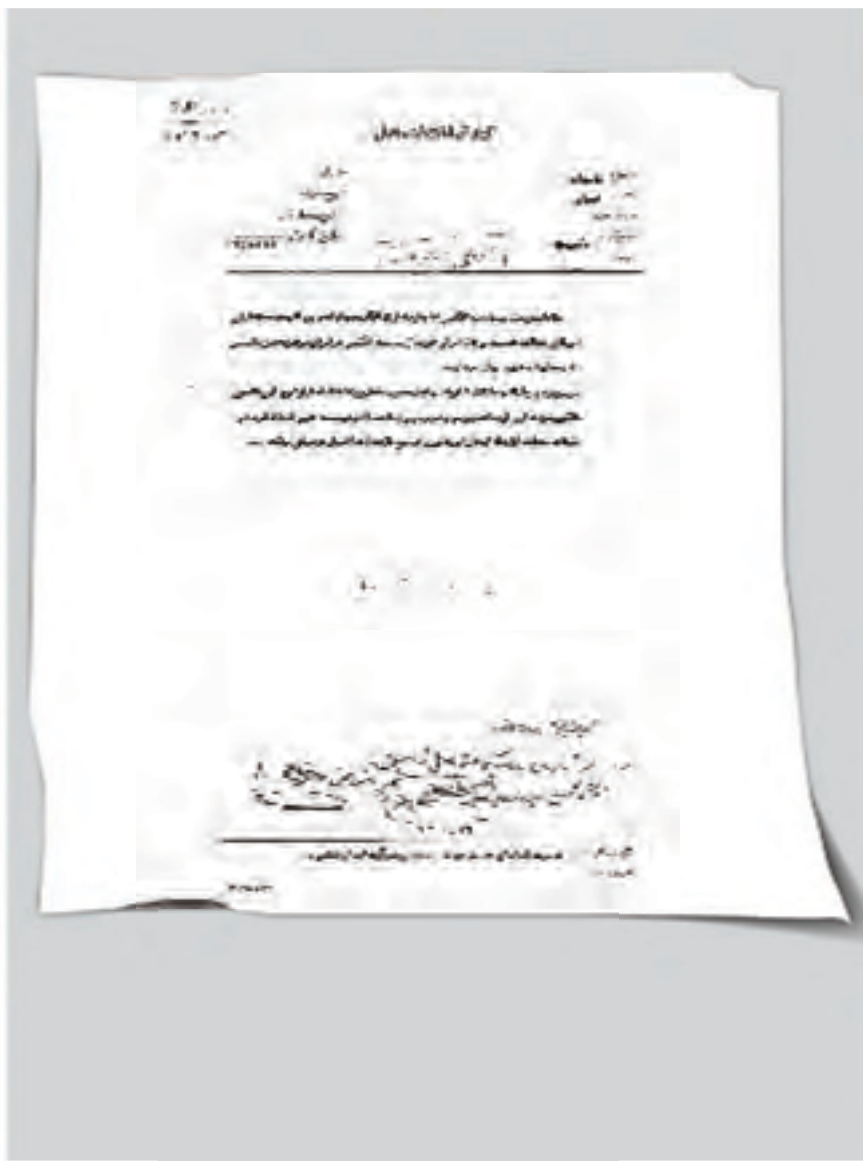
۲. در اسفندماه سال ۱۳۴۰ دکتر علی‌امینی در رأس دولت ایران قرار داشت و امریکا این سیاست را دنبال می‌کرد که نامبرده برای روز مبادا «وجیه‌المله» بماند و نمی‌خواست با احیای رژیم کاپیتولاسیون در دولت او، بی‌آبرویی همیشگی و رسوایی ابدی برای او به بار آید.

۳. جناح‌های وابسته به انگلیس که هنوز در رژیم شاه از پایگاه عمیقی برخوردار بودند، با این طرح امریکا به شدت مخالف بودند؛ چون می‌دیدند که دولت بریتانیا در جایگاهی قرار ندارد که بتواند همانند امریکا، برای اتباع خود چنین امتیازی بگیرد و اگر امریکا به عنوان تنها ابرقدرتی مطرح شود که در ایران از مزایای حق قضاوت کنسولی برخوردار



است، ضعف، ناتوانی و افول قدرت انگلستان در رژیم ایران آشکار می‌شود و نخستین پیامد آن این است که مهره‌های سرسپرده و حقوق‌بگیران مادام‌العمر انگلیس، به سوی امریکا گرایش پیدا می‌کنند و پایگاه انگلستان در ایران به شدت آسیب خواهد دید. ساواک در گزارشی آورده است:

مقامات نزدیک به سیاست انگلیس اظهار می‌دارند: انگلیسی‌ها با تصویب لایحه مستشاران امریکایی مخالف هستند و رجال ایرانی طرفدار سیاست انگلیس در ایران نیز عین همین نظر را در محاورات خویش بیان می‌دارند...



در پی قیام خونین ۱۵ خرداد، امریکا به شکست دکترین کندی و اوج نفرت ملت ایران از امریکا و رژیم شاه به خوبی پی برد و اندیشه قیام مسلحانه و طرح این نکته که با رژیم شاه جز با زبان زور نتوان برخورد کرد- که در میان مردم به شدت رواج پیدا کرده بود- بر نگرانی امریکا افزود. از این رو، امریکا برای احیای رژیم کاپیتولاسیون، شاه را زیر فشار گذاشت.

دولت امیراسدالله علم، لایحه مصونیت اتباع امریکا در ایران را پس از تصویب در هیئت دولت، برای تصویب به مجلس سنا فرستاد. این لایحه در کمیسیون خارجه مجلس سنا در حضور عباس مسعودی، مخبر موقت کمیسیون خارجه و یکی از معاونان آن وزارت به نام دکتر انصاری به ظاهر مورد شور و بررسی قرار گرفت و پس از آنکه به صورت ماده واحده درآمد، به تصویب رسید و برای اظهار نظر به کمیسیون جنگ فرستاده شد. در کمیسیون یادشده نیز تیمسار سپهبد صنیعی (وزیر جنگ) و آقای میرفندرسکی، معاون وزارت خارجه ضمن تأیید نظر کمیسیون خارجه، آن را تصویب کردند و به صورتی که در پی می‌آید به مجلس سنا فرستادند:

#### ماده واحده

با توجه به لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸-۲۵/۱۱/۱۳۴۲ دولت و ضمایم آن، که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «و» ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضار رسیده است می‌باشد، برخوردار نماید.





وزارت اعلیٰ تعلیم

با توجہ بہ آئینہ شماره ۱۱۰۳۱، ۱۹۹۹/۱۱، سولہ رسام آن کے در تاریخ  
۱۹۹۹/۱۰/۲۵ مجلس سنا تعلیم گندہ خواتین اعلان داده میشود کہ ریس  
و ادرار<sup>۲</sup> پیشہ منقاری عالمی اعلان شدہ آمریکا با امر لیون کے پسترسید  
مؤقتہ خان پروانہ در اسنادی توجہ نداشتہای حیانت از حیضت سنا  
و سنگتہائی کہ شان کرتہ از امر و ریس ہیونہ در پندہ نمادہ ایق اسرارہ از  
قند نامہ بہ  
حیانت پروانہ از لیدہ \*

دادہ پندہ مغولی در جلسہ سنا پیشہ سنا بلایم ۲۰۰۰ سہ سہ مرداد ۱۳۷۳







دست به دست شدن این لایحه در کمیسیون‌های مجلس سنا، وقت زیادی گرفت و شاید کشمکش‌های پشت پرده جناح‌های وابسته به انگلیس و امریکا در مجلس سنا، مایه معطلی و صرف وقت شده باشد. بعید نیست که جناح انگلیسی مجلس سنا، تصویب آن را به دادن امتیاز همانند به اتباع انگلیس در ایران منوط کرده باشند، که بی‌تردید پیشنهادهای آنان با مخالفت جدی و حتمی امریکا روبه‌رو می‌شد؛ چون امریکا آن را با سیاست یک قطبی کردن ایران مغایر می‌دانست و به شدت رد می‌کرد.

امیر اسدالله علم که از نوکران و سرسپردگان خانه‌زاد دولت انگلیس بود، هر چند زیر فشار امریکا ناگزیر شد لایحه یادشده را در هیئت دولت تصویب کند و به مجلس سنا بفرستد، لیکن روشن است که با تصویب نهایی و اجرای آن، به سبب اینکه بریتانیای کبیر از رقابت با امریکا در ایران باز می‌ماند و بر اعتبار و جایگاه آن گفتار پیر در ایران آسیب سنگینی وارد می‌آمد، موافق نبود. از این رو، این لایحه را همراه با ششصد تصویبنامه دوره فترت به مجلس نفرستاد تا یکجا تصویب کنند؛ و سرانجام در پی سقوط دولت علم یکی از مهره‌های وابسته به امریکا به نام حسنعلی منصور که به نخست‌وزیری منصوب شد، برای تصویب این لایحه در مجلس سنا و شورای ملی تلاش جدی به عمل آورد و با ترفندهایی آن را از تصویب مجلسین گذرانید. آقای حسنعلی منصور از آنجا که می‌دانست این لایحه در صحن مجلس سنا با کشمکش‌های بیشتر جناح‌های وابسته به انگلیس و امریکا روبه‌رو می‌شود، به اصطلاح معروف زیرآبی رفت! او در برهه‌ای که مجلس سنا تعطیلات تابستانی خود را طی می‌کرد، در نامه‌ای به مجلس سنا جلسه فوق‌العاده‌ای را درخواست کرد. در این نامه آمده بود:

ریاست محترم مجلس سنا

پیرو درخواست قبلی دولت، مبنی بر تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا به منظور رسیدگی به لایحه تسهیل وصول مالیات‌ها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور، اینک از نظر فوریت امر، خواهشمند است مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبرای ایالات متحده امریکا در تهران نیز در جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد، مزید تشکر است.

نخست‌وزیر، حسنعلی منصور



مجلس سنا بنا به درخواست دولت، در روز سوم مردادماه ۱۳۴۳ جلسه فوق العاده تشکیل داد. در آغاز جلسه رئیس مجلس توضیحاتی داد که از هماهنگی او با رئیس دولت نشان داشت. در مذاکرات مجلس آمده است که رئیس مجلس در آغاز جلسه اظهار داشت:

... با بررسی که خود بنده کردم، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار، هنوز آماده برای طرح نیست و به علاوه تصور نمی‌کنم که الان دولت آن طور ضرورت داشته باشد که لایحه را در اختیار داشته باشد. الان می‌توانند شروع به تهیه مقدمات آن بکنند و در موقع تعطیل مجلس این مقدمات را فراهم بیاورند، در اولین فرصت که مجلس شروع به کار می‌کند آن را مطرح می‌کنیم ولی به هر حال این بار بستگی دارد به نظر دولت. مضایقه‌ای نیست ولی تصور نمی‌کنم که کاری لنگ بماند؛ اما آن دیگری<sup>۱</sup> گزارشش حاضر است و قرائت خواهد شد. البته مقدر هم بود که فردا جلسه فوق العاده تشکیل بدهیم، ولی چون کار بسیار مختصری است، اجازه بفرمایید الان تمامش بکنیم...

رئیس مجلس سنا تا آن پایه نگرانی دارد که به خود جرئت نمی‌دهد نام لایحه مصونیت اتباع امریکا را بر زبان آورد و با اشاره «آن دیگری» و سر بسته آن را مطرح می‌کند و با جمله «... چون کار بسیار مختصری است، اجازه بفرمایید الان تمامش کنیم...»!! می‌کوشد که در مورد لایحه، حساسیتی در مجلس پدید نیاید. به دنبال او مخابر کمیسیون خارجه گزارش کمیسیون را به مجلس می‌دهد و ماده واحده را قرائت می‌کند. آنگاه نخست‌وزیر سخنان کوتاهی به این شرح ایراد می‌کند:

... بنده نسبت به فرمایش جنابعالی (خطاب به رئیس مجلس سنا) از لحاظ سازمان مرکزی آمار موافقت می‌کنم که [به] بعد از تعطیلات مجلس موکول شود. با وجود اینکه این در برنامه دولت ذکر شد و ضمناً هم لایحه‌اش تقدیم شد، توجه می‌فرمایید که یک دستگاہی که خودش را در آینده نزدیک منحل می‌داند، بلا تکلیف می‌ماند و این تقاضای تسریع در این امر به این علت بود که ضرورت داشت؛ ولی چون مصادف با تعطیل مجلس است، بنده روی احترام به فرمایش جناب آقای رئیس موکول می‌کنم به بعد از تعطیل مجلس سنا که در اولین فرصت، این

۱. «مصونیت مستشاران نظامی امریکا» مقصود است.

لایحه هر چه زودتر بگذرد. و نسبت به لایحه دیگر<sup>۱</sup> استدعای فوریت می‌کنم برای اینکه بشود امشب چون یک مطلب کاملاً ساده و عادی است تصویب بشود...

بنابر پیشنهاد نخست‌وزیر به فوریت لایحه رأی گرفتند با موافقت اکثریت روبه‌رو شد و به تصویب رسید. شاید علت موافقت اکثریت با فوریت لایحه برای این بود که در دوره تعطیل تابستانی مجلس، آنان را یک روز تمام از خوشگذرانی‌ها و شادخواری‌ها بازداشته و در مجلس، سرگردان ساخته بودند و می‌دانستند اگر با فوریت آن موافقت نکنند، یک روز کامل دیگر نیز باید در جلسه فوق‌العاده دیگری سرگردانی بکشند. اینکه رئیس مجلس سنا در آغاز اظهار کرد: «... البته مقدور هم بود که ما فردا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل بدهیم...» شاید روی این انگیزه بود که سناتورها را از نظر روانی تحت تأثیر قرار دهد و به آنان گوشزد کند که اگر در این جلسه فوق‌العاده که از ۷ صبح تا ۱۲ شب به درازا کشیده شده است کار را به پایان نبرند، این رشته سری دراز دارد و روز دیگری را نیز باید به سرگردانی بگذرانند.

یکی از سناتورها به نام دکتر صدیق درخواست کرد که معاون وزارت امور خارجه درباره این لایحه «... چون متبادر به ذهن نیست، اگر ممکن است توضیحاتی بدهند...». آقای میرفندرسکی، معاون وزارت امور خارجه، تنها به بازگو کردن درخواست سفارت آمریکا مبنی بر اینکه مستشاران نظامی امریکایی از مزایا و مصونیت‌های پیش‌بینی [شده] در قرارداد «وین» برخوردار شوند بسنده کرد و کوشید که موضوع را سر بسته بگذارد و برای نمایندگان، مسئله را باز نکند. سناتور دیگری به نام دکتر کاظمی توضیح خواست که «... آن مصونیت‌ها و معافیت‌ها را بفرمایید...» آقای میرفندرسکی در پاسخ طفره رفت و چنین گفت:

... مصونیت‌ها و معافیت‌ها در یادداشت‌هایی است که مبادله شده است. همان‌طور که جناب آقای نخست‌وزیر فرمودند، خیلی از تصورات و اندیشه‌ها هست که آقایان سناتورهای عظام می‌دانند که باید در آن جرح و تعدیل کرد. شاید در نظر اول، خیلی گران بیاید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم، ولی این مصونیت‌ها و این معافیت‌ها را ما برای آن خارجی‌ها تقاضا نمی‌کنیم. ما

۱. نخست‌وزیر نیز مانند رئیس مجلس سنا جرئت نمی‌کند نام «لایحه مصونیت اتباع آمریکا در ایران» را بر زبان آورد و با اشاره و کنایه «لایحه دیگر» و با ادعای اینکه «کاملاً ساده و عادی» است می‌کوشد از قبح آن لایحه بکاهد.





برای خاطر خدمتی تقاضا می‌کنیم که آنها برای ما انجام می‌دهند.<sup>۱</sup> پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاه‌های مختلف مملکت، به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیت‌ها و این مزایا ضرری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است، که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود، یا برای مسکن و تغذیه، معافیت داشته باشند مهم نیست. به علاوه این نظریه چیزی نیست که ما تنها کرده باشیم، دولت‌های دیگر هم کرده‌اند، دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده...

آن سناتورها در آن روز بلند تابستان، تمام روز را در مجلس گذرانده، ناهار را نیز در مجلس صرف کرده و تا ساعت‌های آخر شب در مجلس سرگردان مانده بودند؛ و دیگر نه رمقی برای نشستن داشتند و نه توانی برای سخن گفتن و نه یارای سخن شنیدن. از این رو، بر آن شدند طبق نقشه رئیس دولت و رئیس مجلس سنا با چند بار «قیام و قعود» به آن خیمه شب‌بازی پایان بخشند. گزارش پایان مذاکرات جلسه روز سوم مرداد ماه ۴۳ که در نزدیک نیمه شب صورت گرفت خواندنی است؛ پس از سخنان سربسته و دربسته آقای میرفندرسکی که در بالا آمد:

رئیس: راجع به کلیات، دیگر نظری هست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ورود در شور ماده واحده. سناتورهایی که موافق اند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای مسعودی بفرمایید. آقای مسعودی، مخبر کمیسیون نیز مانند آقای میرفندرسکی به کلی گویی پرداخت و گزارشی از تصویب این لایحه در کمیسیون‌های وزارت خارجه و جنگ داد و سر جای خود نشست! حاضران گویا به خواب رفته و یا از هوش رفته بودند! نه کسی سخنی گفت و نه توضیحی خواست.

رئیس: نسبت به ماده واحده، دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به ماده واحده، سناتورهایی که موافق اند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. کلیات آخر مطرح است. نظری هست بفرمایند. (اظهاری نشد) رأی می‌گیریم به کلیه لایحه، سناتورهایی که موافق اند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. برای رأی نهایی به مجلس

۱. گویا معاون وزارت خارجه فراموش کرده که تقاضاکننده دولت امریکاست!

شورای ملی فرستاده می شود. جلسه را ختم می کنیم. ساعت ۱۲ شب مجلس ختم شد...

دولت حسنعلی منصور با این شیوه و شگرد، لایحه مصونیت اتباع امریکا در ایران را توانست به تصویب مجلس سنا برساند، آنگاه برای تصویب آن به مجلس شورای ملی برود. از آنجا که بیشتر عناصری که در مجلس شورای ملی به نام «نمایندگان» کرسی پارلمان را اشغال کرده بودند از «حزب ایران نوین» بودند، آقای منصور اطمینان داشت که لایحه یادشده به تصویب مجلس شورای ملی می رسد و مأموریت او به درستی پایان می یابد! از این رو، لایحه را با جرئت و جسارت بیشتری در مجلس شورای ملی مطرح و از آن دفاع کرد و هنگام طرح لایحه اظهار داشت: «... من افتخار می کنم این لایحه را تقدیم می نمایم!»

روز سه شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ لایحه مزبور در مجلس شورای ملی مطرح شد. پیش از طرح آن نخست «قرارداد وین» که مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل است و به مأمورین سیاسی خارجی (دیپلمات‌ها) مصونیت قضایی و معافیت‌های گمرکی می دهد، مطرح شد و به تصویب رسید. آنگاه لایحه مصونیت و معافیت اتباع امریکا در ایران، با قید به اینکه از همه مزایا و معافیت‌های بند «و» از ماده اول قرارداد وین<sup>۱</sup> بهره مند شوند، به شور گذاشته شد. هنگام طرح و بررسی این لایحه، شماری از نمایندگان به نام مخالف صحبت کردند و تصویب آن را برخلاف قانون و مصالح کشور دانستند. چکیده اشکالات و اعتراضات آنان را می توان چنین برشمرد:

۱. این لایحه با دو اصل ۵۰ و ۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۱ متمم قانون اساسی منافات دارد.

۲. دولت، نمایندگان را غافلگیر کرده و فرصت مطالعه و بررسی لایحه را نداده است.

۳. اگر امریکا به ایران کمک نظامی و اقتصادی می کند، خیلی بیشتر از آن استفاده می برد و مستحق امتیاز جدیدی نیست.

۴. از شصت سال قبل، هیئت‌های مذهبی و فرهنگی امریکا در ایران مشغول فعالیت‌اند، از چهل سال قبل به این طرف (از زمان شوستر) مستشاران امریکا به عناوین مختلف در ادارات مالی، نظامی، فرهنگ و... مشاغل مهمی داشته‌اند و دخالت‌های نابجایی کرده‌اند و در تمام این مدت، هیچ حادثه ناگواری به دست ملت ایران علیه این خارجی‌ها به

۱. بند «و» ماده اول قرارداد وین به این شرح است:

... اصطلاح «مأمور اداره فنی» یعنی آن دسته از کارمندان که به امور اداری و فنی مأموریت و اشتغال دارند.





وجود نیامده که دلیل وحشی‌گری ایرانیان، نسبت به خارجیان باشد تا امروز از ما حق وحش بگیرند.

۵. دولت اگر معتقد است این عمل خیانت نیست و برای ایران ضرر ندارد، خوب بود قبلاً آن را توسط جراید در معرض افکار مردم می‌گذاشت.

۶. اگر این امتیاز را به امریکایی‌ها بدهیم، فردا تمام کارشناسان خارجی، مانند آن را از ما می‌خواهند. در این صورت ما حق نداریم که استثنایی قائل شویم!

۷. اگر یک نفر امریکایی جاسوس بود و اسرار مملکت را در کیف مبارکش گذاشت و یا اگر پولی از جای دیگر گرفت و یا با باندی بند و بست کرد و یا خواست خواسته ملت دیگری را در ایران عملی کند، ما چگونه می‌توانیم او را کنترل کنیم؟

۸. «اگر فردا یک گروه‌بسان امریکایی متعرض زن ما شد، نمی‌توانیم به هیچ مقامی مراجعه کنیم...»!

۹. «مثلاً اگر یک امریکایی بچه مرا زیر بگیرد و من هم حق نداشته باشم شکایت کنم و دستم از همه جا کوتاه باشد، می‌روم آن امریکایی را می‌کشم و این خطرناک است...»!

۱۰. ماده ۳۲ قرارداد وین در متنی که در اختیار مجلس گذاشته شده، موجود نیست. بنابراین باید قید شود «معافیت‌های به استثنای مصونیت‌های موجود در ماده ۳۲ اعطا می‌شود تا مطلب ندانسته را تصویب نکرده باشیم»!

بی‌تردید این مخالف‌خوانی‌های شماری از به اصطلاح نمایندگان مجلس شورای ملی، هرگز روی احساس میهن‌خواهی و اصول انسانی و موازین اخلاقی نبود. کسانی که از روی مجموعه‌های شهدای ۱۵ خرداد گذشته و به مجلس راه یافته بودند، نمی‌توانستند به یاد کشور و ملت باشند و از سر وجدان و دلسوزی به اعتراض برخیزند. اگر این اعتراضات و انتقادات از سر درد وطن‌خواهی بود، چگونه توانستند در برابر تصویب این لایحه شرم‌آور بی‌تفاوت بنشینند و با دیگر نمایندگان که با تصویب آن، بزرگترین خیانت را به کشور و ملت کرده‌اند همکاری کنند؟ آیا انسان می‌تواند با عناصر خائن و وطن‌فروش همنشین باشد؟ و از این بدتر، آنگاه که امام به جرم اعتراض به این لایحه از ایران تبعید شد، بیشترین اهانت‌ها، ناسزاگویی‌ها و هرزه‌ری‌ها به امام در مجلس شورای ملی، از سوی کسانی بود که با تصویب این لایحه به ظاهر مخالفت کرده بودند. آیا این برخورد ناشایست نشان نمی‌دهد که آن مخالف‌خوانی‌ها تاکتیکی و ظاهری بوده است؟ آیا کسی را که با انسان دردمند، همدردی کرده و حرف دلش رازده است، می‌توان مورد هتک و اهانت قرار داد؟ بگذریم از اینکه برخی از این عناصری که به ظاهر مخالف‌خوانی

کرده بودند، آنگاه که دریافتند مورد خشم ملوکانه قرار گرفته‌اند، حرفشان را پس گرفتند و صریحاً اعلام کردند که نسبت به این لایحه تجدید نظر کرده‌اند! بنابراین نمی‌توان پذیرفت که موضع‌گیری برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی ضد لایحه مصونیت اتباع امریکا در ایران، روی غیرت‌مندی، آزادمندی و استقلال‌طلبی بود، بلکه انگیزه‌های دیگری در کار بود که به برخی از آن در پی گذر می‌کنیم:

۱. بیشتر آنان که ضد لایحه یادشده به مخالفت برخاستند از «حزب مردم» بودند که درگیری دیرینه‌ای با «حزب ایران نوین» داشتند و اختلاف و رقابت این دو حزب در موضع‌گیری برخی از اعضای «حزب مردم» ضد این لایحه دولت که رئیس آن لیدر «حزب ایران نوین» بود، نقش مؤثری داشت.

۲. چنانکه پیشتر بررسی شد انگلیس و عوامل آن در ایران، مصونیت اتباع امریکا را به علت رقابتی که با آن ابرقدرت در ایران و خلیج فارس داشتند، به زیان خود می‌دانستند. از این رو، حتی سازمان فراماسونری وابسته به انگلیس نیز رسماً به صحنه آمد و طی بخشنامه‌ای از اعضای خود خواست «که علیه لایحه مصونیت سیاسی امریکا اقدام کنند.» بنابراین گزارش نطق مهندس بهبودی علیه لایحه یادشده در مجلس شورای ملی نیز «طبق دستور مهندس حسین شقاقی، استاد اعظم لژ مذکور بوده است» و سلیمان بهبودی «رئیس تشریفات دربار» نیز که عضو لژ «روشنایی در ایران» بود، طبق دستور لژ ضد این لایحه، اظهاراتی کرده است و بنابر این گزارش از سوی سازمان فراماسونری «... به او گفته شده بود که سعی کند تا طرح لایحه در مجلس شورای ملی را به عقب بیندازد و به همین جهت بود که از اعلیحضرت تقاضای تأخیر طرح لایحه کرده بود...».



مجموعه  
۳۰۰۰۰۰

$$x^2 - 1 = 0$$

حل:

- ۱-  $x^2 - 1 = (x-1)(x+1) = 0$
- ۲-  $x-1 = 0 \Rightarrow x=1$
- ۳-  $x+1 = 0 \Rightarrow x=-1$
- ۴-  $x=1$  و  $x=-1$

مجموعه جوابها:  $\{1, -1\}$

برای حل این معادله، ابتدا آن را به صورت  $x^2 - 1 = 0$  در می آوریم. این معادله را می توان به صورت  $(x-1)(x+1) = 0$  نوشت. پس  $x-1 = 0$  یا  $x+1 = 0$  است. بنابراین  $x=1$  یا  $x=-1$  است.

پسندیدم

این معادله را می توان به صورت  $x^2 - 1 = 0$  نوشت. این معادله را می توان به صورت  $(x-1)(x+1) = 0$  نوشت. پس  $x-1 = 0$  یا  $x+1 = 0$  است. بنابراین  $x=1$  یا  $x=-1$  است.





بنابراین برخی از مخالف‌خوانی‌ها در مجلس، ریشه در جنگ قدرت امریکا و انگلیس داشت که در میان دو جناح وابسته به آن دو ابرقدرت این گونه نمایان می‌شد.

۳. نطق تند و شدید مهندس بهبودی در مجلس، ضد لایحه مزبور (که بنا بر گزارش بالا طبق فرمان استاد لژ فراماسونری بوده است) برای برخی از نمایندگان ساده‌اندیش این ذهنیت را پدید آورد که شاه با این لایحه دید موافق ندارد و نامبرده به علت نزدیکی به دربار و آگاهی از نظر شاه، موضع این گونه‌ای ضد این لایحه گرفته است. از این رو، آنان نیز به عنوان «خوش‌رقصی» و برای خوشامد شاه به مخالفت با آن برخاستند. در این راستا در برخی گزارش‌ها آمده است:

... روزی که مهندس بهبودی در مجلس شورای ملی با لایحه مصونیت مستشاران خارجی مخالفت شدید نمود، در محافل پارلمانی و مطبوعاتی چنین شهرت یافت که شاهنشاه با این لایحه نظر موافق ندارد و نطق مهندس بهبودی طبق دستور شاهنشاه انجام شده است... این موضوع آنقدر جالب بود که خود آقای منصور، نخست‌وزیر هم دچار شک و تردید گردید و تصور کرد پوست خربزه زیر پای دولت قرار گرفته است و فوراً به حضور ملوکانه شرفیاب [شد] و انعکاس نطق بهبودی را به عرض رسانید. شاهنشاه در پاسخ فرموده بودند با این لایحه صد در صد موافق‌اند و دستور می‌دهند پدر مهندس بهبودی را از دربار شاهنشاهی مرخص کنند و روزی که بهبودی از دربار مرخص گردید، نمایندگان مجلسین متوجه شدند توهم آنها در اینکه شاهنشاه با این لایحه مخالف‌اند، بیهوده بوده و اکنون دولت ظاهراً در مجلسین دارای موقع کاملاً محکمی می‌باشد.





در گزارش دیگری نیز می خوانیم:

... در جلسه اخیر مجلس شورای ملی، هنگام طرح لایحه قرارداد وین، مهندس بهبودی که عضو حزب مردم است، بیانات مفصلی علیه این لایحه ایراد کرده است و شدیداً با دولت مخالفت کرده و این نطق شدید... موجب ناراحتی خاطر همایونی شده و امر فرموده اند پدرش سلیمان بهبودی، معاون وزارت دربار را فوراً بازنشسته کنند...





۴. برخی از موضع گیری‌ها و مخالف‌خوانی‌ها نیز جنبه نمایشی و فرمایشی داشت و طبق خواست دولت و شاه بود تا وانمود شود که در مجلس، آزادی کامل حاکم است و نمایندگان با داشتن آزادی و اختیار لازم به این لایحه رأی داده‌اند؛ لیکن در عمل می‌بینیم که سلطه خفقان بار و سیطره مخوف امریکا بر دربار و هیئت حاکمه آن روز ایران تا آن پایه سایه گسترده بود که شخص شاه از بیم آنکه در نزد امریکایی‌ها متهم شود که با مصونیت اتباع آنان در ایران دید موافق ندارد و مهندس بهبودی به اشاره او ضد آن لایحه سخن گفته است، با دستپاچگی پدر او را از دربار بیرون راند و ناخشنودی خود را از نطق نامبرده در مجلس اعلام کرد.

### سند بردگی

فشار سفارت امریکا برای تصویب این لایحه تا آن پایه بود که دولت و مجلس ناگزیر شدند بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم قانونگذاری، آن را به رأی بگذارند.<sup>۱</sup> لایحه را نه به کمیسیون‌های دادگستری و نظام فرستادند و نه برای مطالعه در اختیار نمایندگان قرار دادند و نه به اشکالات بسیاری از نمایندگان که به لایحه داشتند و روی برخی از کاستی‌ها و نواقصی که در لایحه وجود داشت انگشت گذاشتند، بها دادند.<sup>۲</sup> و با تهدید و ارعاب<sup>۳</sup> نمایندگان را بر آن داشتند که رأی خود را به صندوق بریزند و سرانجام با ۷۴ رأی موافق در برابر ۶۱ رأی مخالف، ماده واحده‌ای را که در بردارنده مصونیت و معافیت اتباع امریکا در ایران بود، به اصطلاح به تصویب رسانیدند و در سایه «انقلاب سفید شاه» رژیم کاپیتولاسیون را احیا کردند و سند بردگی ملت ایران را به شرح زیر در اختیار امریکا قرار دادند:

۱. روایت کردند که از دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت امریکا چند تن در روز رأی گیری در کریدور مجلس حضور داشتند و بر گفت و گوهای مخالف و موافق نمایندگان و مراسم رأی گیری، از نزدیک نظارت می‌کردند!  
۲. یکی از نمایندگان مخالف خطاب به نمایندگان: «... چرا تا این حد مسامحه می‌کنید؟ اینک رسم قانون گذاری نیست. چیزی را که نخوانده‌اید و نمی‌دانید چیست، چرا روی آن همه فشار می‌آورید و می‌خواهید رأی بگیرید؟...»

نماینده دیگر: «... نمی‌دانم آقای نخست‌وزیر چه اصراری دارد که عیناً لایحه وارده بدون هیچ تغییر بر مجلس تحمیل گردد؟! تعجب این است که بسیاری از نمایندگان و حتی طرفداران این لایحه، نمی‌دانند که چه عملی انجام می‌دهند. یکی از نمایندگان محترم که عضو فراکسیون حزب ایران نوین است، همین حالا می‌گفت فقط چهل نفر نظامی از این لایحه استفاده می‌کنند، در صورتی که هزاران نفر از این مصونیت استفاده خواهند کرد و تعدادشان خیلی زیاد است و بیشترشان گروهیان می‌باشند...»

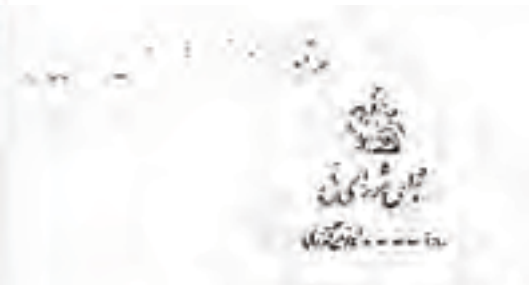
۳. حسنعلی منصور در برابر مخالفت برخی از نمایندگان تا آن پایه کنترل خود را از دست داد که زبان به ناسزاگویی گشود و خطاب به نمایندگان مخالف، تهدید کرد که شما را از مجلس بیرون می‌ریزم!! آن نمایندگان انتصابی و مقوایی که مانند مرده‌ای که به تابوت بسته شده باشد، خود را به کرسی پارلمان دوخته می‌دیدند، خموشی گزیدند، دم فرو بستند و تسلیم شدند!

قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی امریکا در ایران از مصونیت‌ها  
و معافیت‌های قرارداد وین

ماده واحده: با توجه به لایحه ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۱۸-۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند، از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «و» ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضا رسیده است می‌باشد، برخوردار نماید. قانون فوق مشتمل بر یک ماده که در تاریخ شنبه، سوم مرداد ۱۳۴۳ به تصویب مجلس سنا رسیده بود، در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نایب رئیس مجلس شورای ملی، دکتر خطیبی





پنجاب  
1977

پنجاب حکومت اور تعلیم کے وزیر  
ان پوزیشن پر ایک افسانوی نثر لکھیں۔

بار بار یاد ہے۔۔۔ لاہور کے ایک مدرسہ میں 1977/78ء میں 1977ء میں پڑھنے والوں کے لیے ایک  
1977ء میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں  
پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں  
پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں  
پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں  
پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں  
پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں پڑھنے والوں کے لیے ایک مدرسہ میں

پنجاب حکومت اور تعلیم کے وزیر  
ان پوزیشن پر ایک افسانوی نثر لکھیں۔



احیا و تصویب رژیم کاپیتولاسیون یکی از رهاوردهای زنده رفرم امریکایی به اصطلاح «انقلاب سفید» است که به دست پاسداران این «انقلاب» (شاه - نخست وزیر - نمایندگان مجلسین) بر ملت ایران تحمیل شد و بیش از پیش، ماهیت «انقلاب سفید» و هواداران آن را نمایان کرد. شاه به خوبی می دانست ملت قهرمان ایران هرگز چنین ننگی را تحمل نخواهد کرد و در برابر آن بی تفاوت نخواهد نشست؛ از این رو، با سانسور شدید و کنترل همه جانبه کوشش به عمل آورد که از نشر این جنایت تاریخی جلوگیری کند و این خیانت را نیز همانند صدها خیانت دیگر، دور از چشم توده ها پوشیده نگه دارد. از این رو، در جراید و مطبوعات ایران از انعکاس آن به شدت جلوگیری کرد.<sup>۱</sup> و با به صدا در آوردن طبل توخالی انقلاب و با به راه انداختن جشن و چراغانی و رقص و پایکوبی - به مناسبت روز ۴ آبان - کوشید که مردم را سرگرم کند و از حوادثی که در پشت پرده جریان دارد، دور و بی خبر نگه دارد! غافل از آنکه قهرمانان سترگ اسلام و آگاهان ملت که رفتار و کردار خائنین و سلطه گران دست نشانده را به شدت زیر نظر دارند، از این جنایت تاریخی غافل نمی مانند، چنانکه نمانند.

### وقتی سلطنت طلب ها قرار است تاریخ مبتنی بر اخلاق بنویسند!!

احمد میرفندرسکی که می گویند از کارگزاران روسوفیل ایران بود که بعدها در خدمت سازمان ک. گ. ب شوروی قرار گرفت و در جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ به دلیل افشای قرار پنهانی با دولت های عربی در گیر جنگ برای استفاده از حریم هوایی ایران به مأموران شوروی، مورد غضب شاه قرار گرفت، در آن زمان یکی از پرسابقه ترین دیپلمات های ایرانی بود. قرار بود او به زودی به عنوان سفیر کبیر ایران راهی لندن شود. شدت ناراحتی شاه از نافرمانی و خودرأیی میرفندرسکی به حدی بود که ضمن دستور برکناری وی از سمت قائم مقامی وزارت امور خارجه، برای همیشه در دوره پهلوی از نظام اداری وزارت امور خارجه ایران حذف شد. میرفندرسکی در دولت بختیار در سال ۱۳۵۷ مجدد به کار برگشت و به سمت وزیر امور خارجه برگزیده شد.

۱. برخی از مجله های کم تیراز که در میان مردم جایگاه و اعتباری نداشتند، مانند مجله *خوندنی ها* طی گزارشی این خیانت مجلس شورای ملی را به صورت سربسته و مبهم و بدون آوردن نام «اتباع امریکا» چنین بازگو کرد: در جلسه علنی روز سه شنبه گذشته گذشته مجلس شورای ملی که هشت ساعت به طول انجامید، فوریت لوایح تشکیل سپاه ترویج و آبادانی، اصلاح قانون بازرگانی و اجازه لایحه استخدام کشوری که در همان جلسه تقدیم مجلس گردیده بود، به تصویب رسید. سپس لایحه الحاق ایران به قرارداد وین و مقاوله نامه ضمیمه آن درباره مصونیت مستشاران نظامی در ایران مطرح گردید و پس از مذاکرات زیاد به تصویب رسید. *خوندنی ها*، س ۲۵، ش ۹، شماره مسلسل ۲۰۷۴، ۱۳۴۳/۷/۲۵.





نام و ننگ میرفندرسکی بیش از هر چیز با لایحه کاپیتولاسیون پیوند دارد؛ او معاون سیاسی و پارلمانی وزارت امور خارجه رژیم پهلوی در زمان تصویب لایحه کاپیتولاسیون و کسی بود که مأموریت داشت تا به جای نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه دولت منصور از لایحه ننگین کاپیتولاسیون در مجلس دفاع کند. میرفندرسکی بعد از انقلاب گفت‌وگویی با احمد احرار دارد که این گفت‌وگو به صورت کتاب به نام *در همسایگی خرس* در سال ۱۳۸۲ در ایران به چاپ رسیده است.

او در این کتاب جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون را «در دسر بی دلیل» می‌نامد و تلاش می‌کند اقدام امام در مبارزه با کاپیتولاسیون را نوعی عوام‌فریبی معرفی نماید. او در این کتاب می‌گوید:

تصویب ماده واحده لایحه مصونیت مستشاران امریکایی را به قضیه کاپیتولاسیون ربط دادن به هیچ عنوان درست نیست. کاپیتولاسیون جاده یک طرفه است دولتی به دولت دیگر در مورد اتباع او امتیازی می‌دهد بدون این که متقابلاً این امتیاز را برای اتباع خود بگیرد در حالی که قرارداد وین جاده دو طرفه بود یعنی هر امتیازی که یک دولت به اتباع دولت دیگر می‌داد همان امتیاز را نیز اتباع دولت ما در آن دولت برخوردار بودند. مدلول ماده واحده این بود که مستشاران امریکایی هم از حقوقی که در تبصره ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون وین قید شده برخوردار می‌شوند.

این ماده واحده دستمالی بود که بر سری که درد نمی‌کرد بستند. من حتی می‌گویم پوست خربزه‌ای بود که دشمنان امریکا در ایران زیر پای دولت متکی به امریکا یعنی دولت حسنعلی منصور گذاشتند... یک آقای هرتسن بود در آنجا که مشاور سیاسی سفارت امریکا و مأمور سیا بود. ساعت‌ها با هم صحبت کردیم. من به او گفتم این ماده واحده در دسر ایجاد خواهد کرد این ظواهر کاپیتولاسیون را دارد و هوچی‌های ماهر آن را مستمسک مخالفت قرار خواهند داد. آخر این چه کاری است؟ شما هر تعداد آدمی را که خواسته باشید می‌توانید به عنوان کارمند فنی و اداری، نظامی و غیر نظامی به وزارت امور خارجه معرفی کنید و وزارت امور خارجه نیز طبق قرارداد وین کارت‌های مصونیت برای آنها صادر خواهد کرد. این حق شماست بر اساس قرارداد وین همان‌طور که ما هم



حق داریم... هیچ لزومی ندارد ما این ماده واحده را ببریم به مجلس...<sup>۱</sup>  
میرفندرسکی نمونه عالی ابله‌ترین و در عین حال پرمدع‌ترین کارگزار دولت پهلوی است که سال‌ها سرنوشت این مملکت را رقم می‌زدند و فهم آنها از قواعد و قوانین بین‌المللی در حد یک دانشجوی ترم اول حقوق هم نیست.

۱. کنوانسیون وین مربوط به مأموران سیاسی و فنی و خدماتی دولتی است که به صورت کارگزار حقوق‌بگیر دولت خود در کشور دیگری مأمور می‌شوند و خدمت می‌کنند در حالی که مستشارانی که در ایران خدمت می‌کردند خارجیانی بودند که در استخدام دولت ایران بوده و حقوق‌بگیر دولت ایران به حساب می‌آمدند. تعریف این اصطلاحات در ماده ۱ قرارداد وین آنقدر وضوح دارد که هر ابله‌ی به راحتی آن را درک می‌کند. حال یک دیپلمات مثلاً با سابقه‌ای که استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران است، چون میرفندرسکی در خلط این دو مفهوم چه هدفی را دنبال می‌کند بماند!

۲. هر امتیازی از حوزه حقوق سیاسی و مصونیت‌های آن به مستشاران یک کشوری که در استخدام کشور دیگر هستند داده شود بندی از بندهای کاپیتولاسیون است؛ حتی اگر با جهالت تمام به دنبال آن باشیم که بین مأمور مستشار و مأمور سیاسی یا مأمور فنی و خدماتی مشابه‌سازی نماییم، کاری که میرفندرسکی در کتاب خود انجام داد و هر دانشجوی ساده حقوق را به خنده می‌اندازد.

۳. از سال ۱۳۲۵ تا روز تصویب کاپیتولاسیون در سال ۴۳ بین زبده‌ترین مأموران امریکایی با مأموران ایرانی مجادله بر سر مصونیت مستشاران نظامی بود و بلااستثنا هم مأموران امریکایی و هم مأموران ایرانی متفق‌القول بودند که مصونیت‌های دیپلماتیک و غیره از نظر قواعد بین‌المللی شامل مستشاران نخواهد بود؛ حال میرفندرسکی بر اساس کدام دلیل چنین لاطاناتی سر هم می‌کند معلوم نیست.

۴. اگر مستشاران نظامی و وابستگان آنها مشمول مصونیت‌های قرارداد وین می‌شدند چه نیازی بود که امریکاییان که نزدیک به ده سال به دنبال این مصونیت‌ها بودند پس از تصویب قرارداد وین در مجلس ایران یک امر مسلم و بدیهی را شبهه‌انگیز کنند؟ یعنی هیچ کدام از مأموران امریکایی جز میرفندرسکی درکی از این قوانین نداشتند؟ امریکایی‌هایی که از روزنه‌های بی‌ربط حقوقی برای خود حقوق ویژه در کشورهای دیگر تعریف می‌کردند چگونه این اصل حقوقی ساده را که میرفندرسکی فهمید، نفهمیدند؟ ۵. اصل داستان همان بود که خود میرفندرسکی هم به ناچار بدان اقرار کرده است؛

۱. احمد میرفندرسکی، در همسایگی خرس، تهران، پیکان، ۱۳۸۲، ص ۶۰-۴۵.

داستان نه شبهه کاپیتولاسیون بلکه عین کاپیتولاسیون بود ولی میرفندرسکی برای این که قبح خیانت خود به ملت ایران را کم کند آن افسانه‌ها را بافته است. این داستان‌ها نشان می‌دهد آن که می‌توانست در مقابل این استدلال‌های حقیقت‌نمای کارگزاران رژیم پهلوی بایستد و ترس به خود راه ندهد و با چند تحلیل حقوقی از میدان خارج نشود تنها امام خمینی بود. شاید عمق کینه دار و دسته بختیار و جبهه ملی و نهضت آزادی و سایر عمل‌های غرب و شرق از نهضت امام و قیام جانانه وی در مقابل تصویب این لایحه ننگین همین باشد.

